

نقشه پنج ساله سوم

2016 – 2011

پیام های بیت العدل اعظم

...با سیستمی که به این ترتیب برای پرورش منابع انسانی ایجاد شده جامعه اسم اعظم وسیله ای با امکانات نامحدود به دست آورده است. در تحت شرایطی بسیار متنوع و عملاً در همه محدوده های جغرافیایی، چند نفر در مقام هسته مرکزی یک گروه در حال تزايد می توانند جنبشی مردمی به سوی هدف یک نظم جهانی به وجود آورند - بیت العدل اعظم

ویرایش اول

فهرست

1. رضوان 2010
خطاب به بهائیان جهان
3
2. 29 آگوست 2010
خطاب به بهائیان جهان
17
3. 28 دسامبر 2010
خطاب به کنفرانس هیئت مشاورین قاره ای
19
4. 1 ژانویه ی 2011
خطاب به بهائیان جهان
39
5. رضوان 2011
خطاب به بهائیان جهان
41

ترجمه‌ای از پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان جهان

رضوان ۲۰۱۰ میلادی (۱۶۷ بدیع)

(از: مرکز جهانی بهائی)

پیروان حضرت بهاءالله در سراسر عالم ملاحظه فرمایند

دوستان عزیز و محبوب،

(۱) با قلبی سرشار از تحسین برای پیروان حضرت بهاءالله، در کمال مسرت اعلام می‌داریم که در این ایام فرخنده رضوان تعداد جدیدی از برنامه‌های فشرده رشد در هر یک از قارات عالم آغاز شده که رقم کل این برنامه‌ها را در سراسر جهان به بیش از ۱۵۰۰ می‌رساند و هدف نقشه پنج‌ساله را یک سال پیش از اختتام آن تحقق می‌بخشد. به شکرانه این موفقیت عظیم و این پیروزی شگفت‌انگیز سر تعظیم و سپاس به درگاه حضرت بی‌نیاز فرود می‌آوریم. سالکان طریق خدمت اعطای این فرصت یک‌ساله را فضل و موهبتی از محبوب عالمیان به جامعه پیروان خویش دانسته آن را ارج می‌نهند، فرصتی که در آن قادرند الگوی ترویج و تحکیم را که اکنون در همه جا تمکن یافته استحکام بخشند و برای اقداماتی که در نقشه جهانی بعدی به اجرای آن دعوت خواهند شد آماده گردند، نقشه‌ای که پنج سال امتداد خواهد داشت و پنجمین نقشه از سلسله مجهوداتی خواهد بود که هدف صریح آن پیشبرد فرایند دخول افواج است.

(۲) چون در این ایام خجسته به تأمل می‌پردازیم، لازم می‌دانیم یک نکته را روشن سازیم: حس عمیق مباحثات و سپاس این جمع چندان مرهون موفقیت‌های آماری شما نیست، اگرچه آن خود قابل توجه است. سپاس و امتنان این مشتاقان به سبب مجموعه‌ای از تغییرات و تحولاتی است که در سطح عمیق‌تر فرهنگ جامعه به وجود آمده است، تحولاتی که این موفقیت‌ها بر آن گواهی می‌دهد. مهم‌ترین این تحولات افزایش توانمندی احبباً در صحبت و مذاکره با دیگران در باره امور روحانی و به آسانی سخن گفتن راجع به نفس مقدس حضرت بهاءالله و این ظهور اعظم است. احبباً به خوبی دریافته‌اند که تبلیغ امرالله از جمله لوازم اولیة یک زندگی آراسته به رأفت و بخشندگی است.

(۳) در پیام‌های اخیر، مسرت خود را از مشاهده افزایش مستمر فعالیت‌های تبلیغی در سراسر جهان ابراز داشته‌ایم. ایفای این وظیفه اساسی روحانی از طرف افراد احبباً از جمله خصوصیات ضروری حیات بهائی بوده و هست. تأسیس ۱۵۰۰ برنامه فشرده رشد به خوبی نشان می‌دهد که آحاد مؤمنین با شهامت و بصیرت فزاینده‌ای از حلقه اعضای فامیل و دوستان خود گام فراتر نهاده آماده‌اند تا ید قدرت الهی آنان را به سوی نفوس مستعد در هر محل که ساکن باشند هدایت نماید. حتی بر اساس یک تخمین بسیار محتاطانه، تعداد کسانی که هم‌اکنون در

فَعَالِيَّت‌های فشردهٔ دوره‌ای شرکت می‌کنند تا بر اساس تفاهم و درک مشترک با کسانی که قبلاً آنها را بیگانه می‌شمردند پیوند دوستی ببندند به ده‌ها هزار نفر بالغ می‌شود.

(۴) احبّا در مساعی خود برای معرفی ساده و واضح حقایق اساسی امرالله، از نمونهٔ بارز و گویای کتاب ششم مؤسسهٔ روحی بهرهٔ وافر برده‌اند. هر جا که منطقی اصلی این طرز معرفی درک شود و از گرایش تبدیل آن به یک فرمول اجتناب گردد، استفاده از آن گفتگویی را آغاز می‌کند که خصوصیت متمیزهٔ آن حسن تفاهم و کیفیت روابط حاصله بین طرفین است. مادام که این گفتگو از ملاقات اولیهٔ فراتر رود و یک دوستی واقعی شکل گیرد، این نوع تبلیغ مستقیم می‌تواند عاملی راه‌گشا برای یک فرایند پایدار تقلیب روحانی باشد. این مسئله که تماس اولیه با این دوستان تازه‌یافته منجر به دعوت آنان به تسجیل و یا شرکت در یکی از فَعَالِيَّت‌های جامعهٔ بهائی شود، چندان مهم نیست. آنچه حائز اهمّیت بیشتری می‌باشد این است که هر فرد احساس کند که هم‌کاریش با جامعهٔ بهائی در کمک به بهسازی اجتماع با گرمی مورد استقبال قرار می‌گیرد و از این طریق در مسیری از خدمت به بشریت گام می‌نهد که ممکن است در بدایت و یا در مراحل بعدی به تسجیل او بیانجامد.

(۵) اهمّیت این تحوّل را نباید ناچیز انگاشت. در هر محدودهٔ جغرافیایی، پس از آنکه الگوی عمل استحکام یافت، باید از طریق شبکه‌ای از هم‌کاران و آشنایان به گسترش آن پرداخت و در عین حال قوا را بر روی گروه‌های کوچک‌تر متمرکز نمود تا هر یک از آنها کانونی از فَعَالِيَّت‌های فشرده گردد. در یک محدودهٔ جغرافیایی شهری، حدود چنین کانون فَعَالِيَّت‌ی احیاناً بهتر از هر چیز مرزهای یک محله می‌باشد و در یک محدودهٔ روستایی، یک دهکده فضای اجتماعی مناسبی برای این منظور خواهد بود. اشخاصی که در این شرایط به خدمت مشغولند، اعمّ از سکنهٔ محل یا معلّمین از نقاط دیگر، برآستی باید فَعَالِيَّت‌های خود را گامی در جهت جامعه‌سازی بدانند. اطلاق عناوینی چون دیدار "منزل به منزل" به مجهودات تبلیغی آنها، حتی اگر اولین تماس شامل دیدار ساکنان یک خانه بدون اطلاع قبلی باشد، فرایندی را که هدفش افزایش توانمندی مردم برای به عهده گرفتن مسئولیت پیشرفت روحانی، اجتماعی و عقلانی خود می‌باشد به نحو شایسته‌ای توصیف نمی‌نماید. فَعَالِيَّت‌هایی که این فرایند را به پیش می‌برد و دوستان تازه به مشارکت در آن دعوت می‌شوند: جلساتی که خصلت نیایش را در جامعه تقویت می‌کند، کلاس‌هایی که قلوب و اذهان لطیف کودکان را پرورش می‌دهد، گروه‌هایی که انرژی سرشار نوجوانان را جهت می‌بخشد، حلقه‌های مطالعه‌ای که به روی همه باز است و افرادی با پیشینه‌های گوناگون را قادر می‌سازد تا پا به پای یک‌دیگر به پیش روند و کاربرد تعالیم الهی را در حیات فردی و جمعی خود شناسایی نمایند - همهٔ این فَعَالِيَّت‌ها احیاناً باید تا مدتی با مساعدت افرادی غیر از سکنهٔ محل تداوم یابد. اما باید انتظار داشت که افزایش تعداد این فَعَالِيَّت‌های اساسی به زودی توسط منابع انسانی بومی محله یا دهکده یعنی زنان و مردانی که مشتاق بهبود شرایط مادی و معنوی محیط اطراف خود

هستند، تداوم پذیرد. بنا بر این به تدریج ترتیبی بدیع و موزون از حیات جامعه که متناسب با توانمندی تعداد فزاینده‌ای از افرادی متعهد به بینش حضرت بهاءالله در مورد یک نظم بدیع است، ظاهر می‌گردد.

(۶) در این بستر، آمادگی برای پذیرش پیام حضرت بهاءالله به صورت تمایل به مشارکت در فرایند جامعه‌سازی که با فعالیت‌های اساسی نقشه به حرکت درمی‌آید، جلوه‌گر می‌شود. در محدوده‌های جغرافیایی متعددی که در آن برنامه فشرده رشد اکنون در حال اجرا است، وظیفه احباً در سال آینده این است که با به کار بردن روش مستقیم معرفی مبانی امر مبارک، به تبلیغ در بین یک یا چند جمعیت مستعد پردازند و نفوسی را بیابند که آرزومندند سستی و رخوتی را که اجتماع بر آنان تحمیل نموده از خود بزدایند و با کار کردن در کنار یک‌دیگر در محله‌ها و دهکده‌های خود، یک فرایند تقلیب جمعی را آغاز نمایند. اگر احباً به تلاش خود برای آموختن راه و روش‌های جامعه‌سازی در محیط‌های کوچک به صورت مذکور ادامه دهند، اطمینان داریم که به هدف دیرینه مشارکت عمومی در امور امری به مراتب نزدیک‌تر خواهیم شد.

(۷) برای تحقق این هدف خطیر، احباً و مؤسساتی که به آنها خدمت می‌کنند باید مساعی خود را صرف تقویت فرایند مؤسسه آموزشی در محدوده جغرافیایی نمایند و تعداد افرادی را که قادرند راهنمای حلقه‌های مطالعه شوند به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش دهند. زیرا باید توجه داشت، فرصتی که اکنون برای پرورش یک حیات پویا و هدف‌مند در محله یا دهکده در دسترس احباً قرار گرفته تنها محصول تحولات مهمی است که طی ده سال گذشته در آن جنبه از فرهنگ جامعه بهائی که مربوط به تزئید معلومات امری می‌باشد، رخ داده است.

(۸) هنگامی که در دسامبر سال ۱۹۹۵ احباً را به تأسیس مؤسسات آموزشی در سراسر جهان دعوت نمودیم، الگوی رایج در جامعه بهائی برای کمک به احباً برای کسب معارف امری اساساً دوره‌ها و کلاس‌هایی بود که به مدت‌های متفاوت برای مطالعه مواضع مختلف تشکیل می‌شد. این الگو نیازهای مراحل ابتدایی توسعه جامعه جهانی بهائی را که تعداد اعضای آن هنوز نسبتاً معدود و توجهش عمدتاً به گسترش جغرافیایی خود در سطح کره زمین معطوف بود به خوبی برآورده می‌ساخت. اما در آن زمان به صراحت اظهار داشتیم که برای آنکه فرایند دخول افواج به نحو قابل ملاحظه‌ای سرعت یابد ضروری خواهد بود که رویکرد دیگری برای مطالعه آثار شکل گیرد، رویکردی که منجر به ورود تعداد کثیری به میدان عمل گردد. به این منظور، از مؤسسات آموزشی خواستیم که گروه‌های فزاینده‌ای از احباً را برای خدمت به امرالله از طریق دوره‌هایی که دانش، بینش و مهارت‌های لازم را برای انجام وظایف متعدد مربوط به تسریع ترویج و تحکیم ارائه می‌نماید، یاری دهند.

(۹) مطالعه آثار امری و کوشش برای درک بهتر ظهور شکوه‌مند حضرت بهاءالله تکلیفی است که بر عهده هر یک از پیروان آن حضرت گذاشته شده است. همه موظفند که بر حسب توان و تمایل خود، در بحر زخار ظهور اعظمش کاوش نمایند و از لالی حکمت که در آن به ودیعه گذاشته شده بهره برند. بدین ترتیب کلاس‌های محلی تزئید معلومات، مدارس تابستانه و زمستانه، و جلسات مخصوصی که در آن احبای متبحر در آثار بهائی می‌توانستند

بینش خود را در بارهٔ مواضع مختلف با دیگران در میان بگذارند طبیعتاً از ویژگی‌های برجستهٔ حیات‌بھائی گردید. همان‌گونه که عادت به تلاوت روزانهٔ آیات الهی جزئی ضروری از هویت بھائی باقی خواهد ماند، این نوع مطالعات نیز جزئی از حیات جمعی جامعه خواهد بود. اما وقتی مطالعه و خدمت با هم توأم گردد و هم‌زمان صورت گیرد، درک مقتضیات آیات الهی هم برای رشد فردی و هم برای پیشرفت اجتماعی چندین برابر افزایش می‌یابد. در میدان خدمت، دانش مورد آزمایش قرار می‌گیرد، سؤالاتی در حین عمل پیش می‌آید و مدارج جدیدی از فهم و ادراک حاصل می‌شود. به مدد سیستم آموزش از راه دور که اکنون در کشورهای مختلف یکی پس از دیگری تأسیس گردیده و عناصر اصلی آن شامل حلقهٔ مطالعه، راهنما و موادّ درسی مؤسسهٔ آموزشی روحی است، جامعهٔ جهانی بھائی این توان‌مندی را کسب نموده که هزاران بل میلیون‌ها نفر را قادر سازد که آثار الهی را در گروه‌های کوچک با هدف مشخص تحقق بخشیدن به تعالیم بھائی و پیشبرد فعالیت‌های امری به مرحلهٔ بعدی یعنی ترویج و تحکیم مستمرّ در مقیاسی وسیع، مطالعه نمایند.

(۱۰) اهمیت حصول چنین امکاناتی را نباید نادیده گرفت. بی‌ارادگی و بی‌تفاوتی مولود فشارهای اجتماع امروزی است. اشتیاق به تفریح و سرگرمی از کودکی با کارآیی روزافزون تقویت می‌شود و نسل‌هایی تربیت می‌گردند که با میل و رضا از هر کس که در برانگیختن احساسات سطحی مهارت دارد پیروی می‌کنند. حتی در بسیاری از نظام‌های آموزشی، با محصلین طوری رفتار می‌شود که گویا ظروفی تهی برای دریافت اطلاعات هستند. اینکه عالم بھائی موفق به ایجاد فرهنگی شده است که شیوه‌ای از تفکر، مطالعه و عمل را ترویج می‌دهد و همگان خود را رهروان یک مسیر خدمت می‌دانند - یک‌دیگر را مساعدت نموده با هم به پیش می‌روند، دانشی را که هر یک در هر مقطع زمانی دارا است ارج می‌نهند و از گروه‌بندی مؤمنین به دسته‌هایی مثل "بامعلومات" و "بی‌معلومات" اجتناب می‌ورزند - موفقیتی است بس عظیم و در آن تحرک یک نهضت توقف‌ناپذیر به چشم می‌خورد.

(۱۱) آنچه از ضرورت خاصی برخوردار است افزایش چشم‌گیر کیفیت فرایند آموزشی در سطح حلقهٔ مطالعه در طی سال آینده می‌باشد تا استعداد بالقوهٔ سکنهٔ محلی برای ایجاد چنین پویایی و تحرکی تحقق پذیرد. برای حصول این مقصود، نقش کسانی که در مقام راهنما خدمت می‌کنند مهم خواهد بود. وظیفهٔ این راهنمایان همانا ایجاد محیطی است که در دوره‌های مؤسسهٔ آموزشی پیش‌بینی شده، محیطی که موجب توان‌دهی روحانی به افراد می‌گردد تا خود را عوامل فعال یادگیری خویش و دست‌اندرکاران تلاش‌های مستمرّ برای استفاده از دانش برای ایجاد تحول فردی و جمعی شمرند. اگر در این مورد قصور شود، هر قدر تعداد حلقه‌های مطالعه در محدودهٔ جغرافیایی افزایش یابد، باز نیروی لازم جهت ایجاد تغییر تولید نخواهد شد.

(۱۲) برای آنکه کار راهنمایان به مدارج عالی‌تری از کمال برسد، باید به خاطر داشت که مسئولیت اولیهٔ پرورش منابع انسانی در یک منطقه یا کشور به عهدهٔ مؤسسهٔ آموزشی است. مؤسسهٔ آموزشی در عین حال که

می‌کوشد تعداد شرکت‌کنندگان را افزایش دهد، باید به صورت یک ساختار -از هیئت‌مدیره گرفته تا هماهنگ‌کنندگان در سطوح مختلف و راهنمایی که به توده مردم خدمت می‌کنند - به همان میزان بر کارایی تمامی سیستم تأکید داشته باشد، زیرا نهایتاً حصول دست‌آوردهای مستمر کمی منوط به پیشرفت کیفی خواهد بود. در سطح محدوده جغرافیایی هماهنگ‌کنندگان باید در مجهودات خویش برای همراهی راهنمایان حلقه‌های مطالعه هم‌پویایی و اشتیاق از خود نشان دهند و هم از تجربیات عملی استفاده کنند. هم‌چنین آنها موظفند جلساتی ادواری برای راهنمایان ترتیب دهند تا در باره مجهودات خود تفکر و تأمل نمایند. جلساتی که به منظور مطالعه مجدد منتخباتی از مواد مؤسسه آموزشی تشکیل می‌گردد ممکن است گاه‌گاهی مفید باشد به شرط آنکه نیاز به آموزش مداوم را تلقین ننماید. قابلیت‌های راهنما با ورود وی به میدان عمل و کمک به دیگران در جهت نیل به اهداف سلسله نقشه‌های جهانی کنونی از طریق مطالعه دوره‌های متسلسل و اجرای قسمت‌های عملی آن، به تدریج افزایش می‌یابد. هم‌چنان که زنان و مردان در سنین مختلف این دوره‌های متسلسل را می‌گذرانند و با کمک راهنمایان مطالعه هر دوره را تکمیل می‌نمایند، دیگران -به خصوص هماهنگ‌کنندگانی که مسئول کلاس‌های کودکان، گروه‌های نوجوانان و حلقه‌های مطالعه هستند یعنی خدماتی که برای تداوم خود سیستم جنبه حیاتی دارد - باید آماده باشند تا آنان را در خدماتی که بر حسب توانایی و علاقه خود به عهده می‌گیرند همراهی کنند. برخورداری این سیستم از تحرک لازم باید کماکان موضوع یادگیری جدی در همه کشورهای، طی دوازده ماه آینده باشد.

(۱۳) توجه به تربیت روحانی کودکان همواره جزئی از فرهنگ جامعه بهائی بوده است و نتیجه اقدامات مربوطه پیدایش دو واقعیت هم‌زمان می‌باشد. یک واقعیت تأسی به دست‌آوردهای بهائیان ایران با ویژگی توان‌مندی تشکیل کلاس‌های سیستماتیک در مدارج مختلف برای کودکان خانواده‌های بهائی بود و معمولاً به منظور انتقال دانش راجع به تاریخ و تعالیم امر به نسل جدید ارائه می‌شد. در اکثر نقاط جهان تعداد کسانی که از چنین کلاس‌هایی بهره‌مند شده‌اند نسبتاً اندک بوده است. واقعیت دیگر در مناطقی اعم از شهری و روستایی که در آن تصدیق امر در مقیاس وسیع به وقوع پیوسته بود آشکار شد. در این مورد کلاس‌ها از عمومیت بیشتری برخوردار بود. با وجودی که کودکان خانواده‌های مختلف هم مشتاق شرکت در این کلاس‌ها بودند و هم با آغوش باز پذیرفته می‌شدند، عوامل مختلفی مانع از آن گردید که مواد درسی با نظم و ترتیب لازم سال به سال ارائه شود. چقدر موجب خشنودی است که با تشکیل کلاس‌های سیستماتیک برای همگان به اهتمام دوستانی که توسط مؤسسات آموزشی در سراسر عالم تعلیم دیده‌اند، این دوگانگی که محصول شرایط تاریخی بوده حال رو به زوال است.

(۱۴) یک چنین آغاز امیدبخشی را باید اکنون با همت و جدیت دنبال کرد. در هر محدوده جغرافیایی که برنامه فشرده رشد در جریان است باید کوشید تا با نظمی بیشتر تمهیدات لازم برای تربیت روحانی تعداد فزاینده‌ای

از کودکان از خانواده‌هایی با پیشینه‌های مختلف فراهم شود، زیرا این امر برای فرایند جامعه‌سازی که در محله‌ها و دهکده‌ها در حال شتاب گرفتن است ضروری می‌باشد. این اقدام کار دشواری خواهد بود و مستلزم شکیبایی و تعاون هم از جانب والدین و هم از جانب مؤسّسات می‌باشد. از مؤسّسه روحی تقاضا شده است که برنامه‌های خود را جهت تکمیل دوره‌های تربیت معلّم برای کلاس‌های کودکان در سطوح مختلف همراه با دروس مربوطه برای خردسالان 5 تا 6 ساله تا کودکان 10 تا 11 ساله تسریع نماید. بدین ترتیب، فاصله کنونی بین موادّ درسی موجود برای این گروه سنّی یعنی دروس کودکان و برخی از کتاب‌های نوجوانان که مسائلی مستقیم راجع به دیانت بهائی را بحث می‌کند، مانند کتاب "روح ایمان" و کتاب در دست انتشار "قوّة روح القدس"، پر خواهد شد. با اضافه شدن این دوره‌ها و دروس تکمیلی، مؤسّسات آموزشی در کلیّه کشورهای قادر خواهند بود که معلّمین و هماهنگ‌کنندگان مورد نیاز را جهت ارائه مفاد اصلی یک برنامه برای تربیت روحانی کودکان در سطوح مختلف آماده سازند، برنامه‌ای که در اطراف آن عناصر فرعی می‌تواند سازمان یابد و مورد استفاده قرار گیرد. در این فاصله، مؤسّسات آموزشی باید نهایت کوشش خود را بنمایند که از میان سایر موادّ آموزشی موجود موادّی مناسب در اختیار معلّمین قرار دهند تا از آن بر حسب احتیاج در کلاس‌های کودکان سنین مختلف استفاده نمایند.

(۱۵) دارالتبلیغ بین‌المللی تحرک پرشوری به مجهودات لازم برای تحقّق قبل از موعد اهداف نقشه پنج‌ساله بخشید و بدین سبب از آن مؤسّسه جلیله صمیمانه سپاس‌گزاریم. میزان انرژی شگرفی که این مؤسّسه صرف این مشروع عظیم جهانی نمود، پی‌گیری مجدّانه پیشرفت نقشه در هر یک از قارّات و هم‌کاری نزدیک آن با مشاورین قاره‌ای، نمایان‌گر پرتوی از قوای عظیمه‌ای بود که در نظم اداری بهائی به ودیعه نهاده شده است. حال که دارالتبلیغ بین‌المللی توجه خود را با همان قوّت به مسائل مربوط به کارآیی فعالیت‌ها در سطح محدوده جغرافیایی معطوف می‌دارد، بدون شک توجه خاصی نیز به تشکیل کلاس‌های کودکان مبذول خواهد داشت. مطمئن هستیم که تجزیه و تحلیل دارالتبلیغ در سال آینده از تجربیات حاصله در چند محدوده جغرافیایی منتخب با شرایط اجتماعی مختلف، موجب شناخت بهتری از بعضی مسائل عملی خواهد شد و تأسیس کلاس‌های مرتّب برای کودکان سنین مختلف را در محله‌ها و دهکده‌ها امکان‌پذیر خواهد ساخت.

(۱۶) انتشار سریع برنامه توان‌دهی روحانی به نوجوانان جلوه دیگری از پیشرفت فرهنگی جامعه بهائی است. در حالی که روندهای جهانی، این گروه سنّی را به صورت افرادی مشکل‌آفرین، سردرگم در آلام تغییرات پرآشوب بدنی و عاطفی، بی‌اعتنا و خودبین تصویر می‌کند، جامعه بهائی با کلامی که به کار می‌برد و با رویکردی که اتخاذ می‌کند، مصمّانه در جهت مخالف حرکت می‌نماید و به جای صفات مزبور، در نوجوانان خصایصی چون نوع دوستی، عدالت‌خواهی، اشتیاق به آموختن در باره عالم و آرزوی کمک به ساختن دنیایی بهتر می‌بیند. گزارش‌های متوالی که در آن نوجوانان در کشورهای مختلف در سراسر جهان به عنوان شرکت‌کننده در این برنامه‌ها، افکار و نظریات خود را ابراز می‌دارند مؤید اعتبار این بینش است. شواهد بسیاری نشان می‌دهد که این

برنامه به طور فزاینده‌ای نوجوانان را به نحوی به بررسی واقعیت‌ها مشغول می‌دارد که آنها می‌توانند نیروهای سازنده و مخرب فعال در اجتماع را تجزیه و تحلیل کرده و اثرات هر یک را بر افکار و اعمال خود شناسایی نمایند. این برنامه بینش روحانی آنها را شدت می‌بخشد، قدرت بیان آنها را افزایش می‌دهد و ساختارهای اخلاقی را که در تمام طول زندگی یاور آنها خواهد بود تقویت می‌نماید و در سنی که قوای عقلانی، روحانی و جسمانی آنها در حال شکوفایی است، ابزار لازمه را در اختیار آنها قرار می‌دهد تا با نیروهایی که هویت واقعی آنها را در مقام موجوداتی شریف سلب می‌کند به مبارزه پردازند و در جهت پیشبرد سعادت همگان فعالیت نمایند.

(۱۷) اینکه قسمت عمده این برنامه مطالب را از دیدگاه بهائی ولی نه به صورت آموزش دینی بررسی می‌کند، راه را برای عرضه آن به نوجوانان در محیط‌ها و شرایط مختلف باز کرده است. در نتیجه در بسیاری از موارد، مجریان این برنامه با اطمینان به میدان اقدام اجتماعی وارد می‌شوند و با مسائل و امکانات گوناگونی رو به رو می‌گردند. این اقدامات و مسائل و امکانات توسط دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی در ارض اقدس به صورت یک فرایند یادگیری در سطح جهانی دنبال و تنظیم می‌گردد. تا کنون به مدد دانش و تجربه به دست آمده، چند محدوده جغرافیایی در اطراف جهان این توانمندی را کسب نموده‌اند که هر یک متجاوز از هزار نوجوان را تحت پوشش این برنامه قرار دهند. برای اینکه محدوده‌های جغرافیایی دیگر نیز بتوانند به سرعت در این جهت پیش روند، دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی، با کمک گروهی از احبباً، مشغول تأسیس شبکه‌ای از جایگاه‌هایی در همه قارات عالم برای تعلیم هماهنگ‌کنندگان در صدها محدوده می‌باشد. این افراد کاردان پس از بازگشت هماهنگ‌کنندگان به محدوده‌های جغرافیایی خود، به حمایت آنان ادامه می‌دهند تا آنها بتوانند محیطی سرشار از روحانیت در جهت تداوم برنامه نوجوانان به وجود آورند.

(۱۸) اگرچه نوعی الگوی عمل هم‌اکنون نمایان گشته ولی مطمئناً دانش بیشتری در این زمینه به دست خواهد آمد. توانمندی جامعه بهائی تنها عاملی است که میزان پاسخگویی آن را به تقاضای مدارس و گروه‌های مدنی برای این برنامه محدود می‌سازد. آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی که در حال حاضر برنامه فشرده رشد دارند، از حیث شرایط و اوضاع طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند. در بعضی محدوده‌ها تعداد گروه‌های نوجوانان معدود و در برخی دیگر به حدی است که به خدمات یک هماهنگ‌کننده اختصاصی با پشتیبانی مداوم از طرف جایگاهی برای نشر یادگیری نیاز می‌باشد. برای حصول اطمینان از اینکه این توانمندی در همه محدوده‌های جغرافیایی مورد نظر افزایش یابد، لازم می‌دانیم که تا پایان نقشه کنونی 32 جایگاه یادگیری، هر یک در خدمت حدود بیست محدوده جغرافیایی با هماهنگ‌کنندگانی تمام‌وقت، شروع به کار نمایند. در سایر این گونه محدوده‌های جغرافیایی، باید در سال جاری به ایجاد توانمندی برای عرضه این برنامه و ازدیاد منظم گروه‌های نوجوانان اولویت داد.

*

(۱۹) پیشرفت‌هایی که تا اینجا به آن اشاره کردیم - افزایش توان‌مندی برای تبلیغ مستقیم و شروع گفتگوهای هدف‌مند در مورد مسائل مهم روحانی با مردم از هر طبقه و گروه، شکوفایی شیوه‌ای از مطالعه آثار امری توأم با عمل، تجدید تعهد نسبت به آموزش روحانی کودکان در محله‌ها و دهکده‌ها و گسترش تأثیر برنامه‌ای که یک هدف اخلاقی دوگانه را به نوجوانان القا می‌کند، یعنی پرورش استعداد‌های ذاتی خود و کمک به تقلیب جامعه - همگی با پیشرفت دیگری در عرصه فرهنگ که پیامدهایش بسیار وسیع است، تقویت می‌شوند. نشانه این تکامل در آگاهی جمعی استفاده روزافزون از واژه "همراهی" در مکالمات بین احبّا است، واژه‌ای که با وارد شدن در مجموعه لغات متداول در جامعه بهائی مفهوم جدیدی یافته است. این واژه نمایانگر تقویت چشم‌گیر فرهنگی است که در آن یادگیری شیوه عمل است، شیوه‌ای که باعث مشارکت آگاهانه تعداد فزاینده‌ای از مردم در کوششی متحد برای به کارگیری تعالیم حضرت بهاءالله در بنای تمدن الهی می‌گردد، تمدنی که تأسیس آن به فرموده حضرت ولی‌امرالله غایت قصوی و مقصد اعلامی این دور مقدّس است. چنین رویکردی با ورشکستگی روحانی و روش رو به زوال یک نظام اجتماعی کهنه شدیداً در تضاد است، نظامی که اغلب با سلطه‌جویی یا آز و طمع و یا ایجاد حسّ گناه‌کاری در افراد و یا دخل و تصرف ریاکارانه در امور خواهان تسلّط بر قوای بشری می‌باشد.

(۲۰) تجلّی این تحوّل فرهنگی در روابط بین احبّا در کیفیت تعامل آنان مشاهده می‌شود. یادگیری به صورت یک شیوه عمل مستلزم آن است که همگی تواضع و فروتنی در پیش گیرند حالتی که در آن انسان نفس خویش را فراموش می‌کند، توکل تام بر حضرت پروردگار دارد، متکی به قدرت و حمایت اوست، به تأییدات لاریبّه‌اش مطمئن است و به یقین مبین می‌داند که تنها حیّ توانا است که قادر است پشه ضعیف را عقاب قوی و قطره را بحر عظیم نماید. در چنین حالتی نفوس پیوسته با هم فعّالیت می‌کنند و شادی و سرور خود را نه چندان در دست‌آوردهای خویش بلکه در پیشرفت و خدمات دیگران می‌یابند. از این جهت است که افکارشان همواره متوجّه یاری رساندن به یک‌دیگر است تا بر قلل خدمت در سبیل امر مبارکش عروج نمایند و در افلاک علم و معرفت او به پرواز درآیند. این است آنچه شاهد شکوفایی آن در الگوی کنونی فعّالیت در سراسر جهان هستیم، الگویی که پیر و جوان و قدیم و جدید همه در کنار هم به ترویج آن مشغولند.

(۲۱) این پیشرفت فرهنگی نه فقط بر روابط بین افراد تأثیر می‌گذارد بلکه پیامدهایش را می‌توان در اجرای امور اداری امری نیز ملاحظه نمود. از آنجا که یادگیری شاخص نحوه عمل جامعه شده است برخی از جنبه‌های تصمیم‌گیری در زمینه ترویج و تحکیم به جمع مؤمنین محوّل گردیده تا برنامه‌ریزی و اجرای آن بتواند بیشتر پاسخگوی وضعیّت موجود محل باشد. به خصوص برای کسانی که در سطح محدوده جغرافیایی به فعّالیت‌مشغولند، فضایی از طریق جلسات تأمل و تفکر به وجود آمده است که هر از گاهی دور هم جمع شوند و در پرتو تجربه و راهنمایی مؤسّسات امری در مورد موقعیّت فعلی خود به اتفاق نظر رسند و گام‌های بعدی را مشخص نمایند. فضای مشابهی توسط مؤسّسه آموزشی به وجود آمده که تمهیداتی برای افرادی که در مقام راهنمایان،

معلمین کلاس‌های کودکان و مشوقین گروه‌های نوجوانان در محدوده جغرافیایی خدمت می‌کنند فراهم می‌سازد تا جداگانه ملاقات نموده و درباره تجارب خود به مشورت پردازند. در کنار این فرایند مشورتی مردمی و در ارتباط بسیار نزدیک با آن، نهادهای مؤسسه آموزشی و لجنه ناحیه‌ای تبلیغ همراه با اعضای هیئت معاونت قرار دارند که تعامل مشترک‌شان فضای دیگری ایجاد می‌کند که در آن تصمیمات مربوط به رشد، این بار به صورت رسمی‌تری، اتخاذ گردد. شیوه کار این سیستم محدوده جغرافیایی که بر حسب اقتضا ایجاد شده، نمایان‌گریک ویژگی مهم نظم اداری بهائی است: این نظم هم‌چنان که تحت هدایت بیت العدل اعظم تکامل می‌یابد از حیث ساختارها و فرایندها و روابط و فعالیت‌ها همانند یک موجود زنده ذاتاً قابلیت قبول سطوح بیشتر و بالاتری از پیچیدگی را دارا است.

(۲۲) اینکه مؤسسات امری در تمام سطوح، از محلی و منطقه‌ای تا ملی و قاره‌ای، با مهارتی بیشتر قادر به اداره چنین پیچیدگی فزاینده‌ای هستند هم از ضروریات و هم نشانه بلوغ مستمر آنها است. روابط در حال تکامل بین ساختارهای اداری، محافل روحانی محلی را به آستانه مرحله جدیدی در اجرای مسئولیت‌های خود برای انتشار کلام الهی، بسیج قوای احباً و ایجاد جوئی مطلوب در جهت تهذیب روحانی افراد رسانده است. قبلاً خاطر نشان ساخته‌ایم که بلوغ یک محفل روحانی را نمی‌توان تنها با تشکیل جلسات مرتب و کارآیی عملیات آن ارزیابی نمود بلکه توانایی آن را تا حد زیادی با پویایی حیات روحانی و اجتماعی جامعه‌ای که به آن خدمت می‌کند باید سنجید، جامعه‌ای در حال رشد که از کمک‌های سازنده افراد، هم کسانی که رسماً تسجیل شده‌اند و هم کسانی که تسجیل نشده‌اند، استقبال می‌نماید. موجب خشنودی است که رویکردها، روش‌ها و ابزار کنونی وسایلی را برای محافل روحانی محلی، حتی محافل جدید التأسیس، فراهم می‌سازد تا این مسئولیت‌ها را در حین تأمین نیازهای نقشه پنج‌ساله در محل خود، ایفا نمایند. در حقیقت مشارکت صحیح محفل در نقشه‌های جهانی برای موفقیت هر تلاشی در جهت استقبال از افواج مردم حائز اهمیت بسیار می‌باشد و این اقبال افواج مردم نیز خود شرطی برای به ظهور رسیدن طیف کامل قوا و توان‌مندی‌های محفل است.

(۲۳) پیشرفت‌هایی که در محافل روحانی محلی در طی چند سال آینده مطمئناً شاهد آن خواهیم بود به واسطه قوت فزاینده محافل روحانی ملی میسر گردیده است، محافلی که توانایی آنها در تفکر و عمل مدبرانه به نحو محسوسی افزایش یافته، به خصوص که آموخته‌اند تا با کاردانی روزافزون به تجزیه و تحلیل فرایند جامعه‌سازی در سطح توده مردم پردازند و بر حسب نیاز، مساعدت و منابع مختلف و هم‌چنین تشویق و هدایت‌های مشفقانه خود را به این جوامع عرضه دارند. در کشورهایی که شرایط ایجاد می‌کند محافل ملی بعضی از مسئولیت‌های خود را به شوراهای منطقه‌ای محول نموده‌اند و با تمرکززدایی از بعضی از وظایف اداری، توان‌مندی تشکیلاتی را در نواحی تحت اشراف خود تقویت نموده و زمینه را برای تعاملات پیشرفته‌تری فراهم ساخته‌اند. اغراق نیست اگر بگوییم که مشارکت کامل محافل ملی نقش بسیار مهمی در ایجاد جنبش‌هایی لازم برای تحقق اهداف نقشه

کنونی داشت و هم‌چنان که این مؤسّسات، با هماهنگی با هیئت مشاورین، در طیّ ماه‌های زودگذر و حسّاسی که در پیش است نهایت کوشش را برای آماده‌سازی جوامع خود برای شروع نقشهٔ عظیم پنج‌سالهٔ بعدی به کار می‌برند، منتظر پیشرفت‌های بیشتری در این جهت می‌باشیم.

(۲۴) بدون شک تحولات و تغییرات تکاملی حاصله در مؤسّسهٔ مشاورین یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌ها در نظم اداری بهائی در طیّ دههٔ گذشته محسوب می‌شود. این مؤسّسه قبل از آنکه مشاورین و اعضای هیئت معاونت در ژانویه 2001 برای شرکت در کنفرانس بزرگ داشت استقرار دارالتبلیغ بین‌المللی در مقرّ دائمی خود در کوه کرمل در ارض اقدس گرد هم آیند، پیشرفت‌های فوق‌العاده‌ای نموده بود. تردیدی نیست که قوای منبعثه از آن کنفرانس بر سرعت پیشرفت مؤسّسه افزوده است. میزان نفوذی که مشاورین و معاونین در پیشبرد نقشه داشته‌اند نمایان‌گر آن است که این خادمان برانزدهٔ امرالله جای طبیعی خود را در صف اول میدان تبلیغ احراز نموده‌اند. اطمینان داریم که سال آینده -هم‌چنان که مؤسّسات نظم اداری همگی می‌کوشند تا هر یک بر حسب وظایف و مسئولیت‌های در حال تکامل خود، روح یادگیری را که از خصوصیات برجسته و ممتاز طرز کار جامعه شده است تقویت نمایند و این امر را با فوریت بیشتری در آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی که مشغول اجرای برنامه‌های فشردهٔ رشد هستند پی‌گیری کنند - شاهد هم‌بستگی بیشتر این مؤسّسات در هم‌کاری با یک‌دیگر خواهیم بود.

*

(۲۵) امر حضرت بهاءالله بی‌نهایت عظیم است و حصول تغییراتی عمیق را نه فقط در سطح فردی بلکه در ساختار اجتماع ضروری می‌شمارد. آن حضرت اعلام می‌فرمایند که "مقصود از هر ظهور، ظهور تغییر و تبدیل است در ارکان عالم سرّاً و جهراً ظاهراً و باطناً". کاری که امروز در اطراف و اکناف کرهٔ ارض در حال پیشرفت است نمایان‌گر مرحلهٔ اخیر مساعی مستمرّ جامعهٔ بهائی برای ایجاد هستهٔ تمدّنی شکوهمند است که در تعالیم این ظهور اعظم مندمج می‌باشد، تمدّنی که بنای آن مشروعی بی‌نهایت عظیم و پیچیده و به ثمر رساندن آن مستلزم قرن‌ها کوشش و تلاش نوع انسان است. در این مسیر نه راه میان‌بری وجود دارد و نه فرمولی. تنها با تلاش در جهت کسب بینش از امر اعظمش، با استفاده از دانش فزایندهٔ نوع بشر، با به‌کارگیری هشیارانۀ تعالیمش در حیات بشری و با مشورت در مسائلی که پیش می‌آید یادگیری مورد نیاز حاصل خواهد شد و توان‌مندی لازم به وجود خواهد آمد.

(۲۶) در این فرایند طولانی ایجاد توان‌مندی، جامعهٔ بهائی قریب پانزده سال وقت صرف تنظیم تجارب خود در زمینهٔ تبلیغ نموده و آموخته است که برخی فعّالیت‌ها را به روی مردم بیشتری بگشاید و ترویج و تحکیم را مستمرّ سازد. آغوش گرم جامعه به روی همگان باز است تا به آن پیوندند و از پیام حیات‌بخش حضرت بهاءالله رزق روحانی بگیرند. به یقین سروری از این بالاتر نیست که نفسی که مشتاق حقیقت است در حصن حصین امرالله پناه یابد و از قوای وحدت‌بخش عهد و میثاق نیروگیرد. در عین حال هر فرد از آحاد نوع بشر و هر گروه از انسان‌ها،

قطع نظر از اینکه در خیل پیروان این امر اعظم درآمده باشند یا نه، می‌توانند از تعالیم مبارکش الهام گیرند و از هر یک از لآلی حکمت و دانش بی‌منتهايش که در رویارویی با مشکلات آنان را مدد می‌دهد، بهره‌برند. برآستی تمدنی که بشریت را به سوی خود فرامی‌خواند تنها از طریق مساعی جامعه بهائی به وجود نخواهد آمد. گروه‌ها و سازمان‌های متعددی تحت تأثیر روح هم‌بستگی جهانی که جلوه‌ای غیرمستقیم از تعلیم وحدت عالم انسانی حضرت بهاءالله است، در استقرار تمدنی که مقدر است از میان اغتشاش و آشوب جامعه امروز ظاهر گردد سهم خواهند بود. باید بر همگان روشن باشد که توانمندی ایجاد شده در جامعه بهائی طی نقشه‌های جهانی متوالی به نحو فزاینده‌ای آن را قادر ساخته است تا در ابعاد گوناگون و متنوع بنای مدنیّت شرکت نماید و افق‌های جدیدی از یادگیری را به روی خود بگشاید.

(۲۷) در پیام رضوان ۲۰۰۸ خاطرنشان ساختیم که با ادامه مساعی در سطح محدوده جغرافیایی، احباً بیش از پیش به مشارکت در حیات عمومی اجتماع جلب خواهند شد و با این وظیفه مهم رو به رو خواهند گشت که فرایند یادگیری سیستماتیکی را که به آن مشغول هستند توسعه دهند تا دامنه وسیعی از مجهودات انسانی را در بر گیرد. در هر محدوده جغرافیایی، در حالی که عبادت دسته‌جمعی و گفتگوها در محیط صمیمانه منازل با فعالیت‌هایی به منظور آموزش روحانی به همه مردم از بزرگسال و جوان و کودک آمیخته می‌گردد، تصویر زیبا و پربراری از حیات جامعه به ظهور و بروز می‌رسد. آگاهی اجتماعی طبعاً آنگاه اعتلا می‌یابد که فی‌المثل گفتگوهای پرشور در بین والدین در باره آمال و علایق فرزندان‌شان تکثیر یابد و پروژه‌های خدمت با ابتکار نوجوانان به راه افتد. با ازدیاد وافر منابع انسانی در محدوده جغرافیایی و استحکام الگوی رشد، مشارکت و هم‌کاری جامعه بهائی با اجتماع می‌تواند و در واقع می‌باید افزایش یابد. در این برهه خطیر از اجرای نقشه، هنگامی که تعداد بسیاری از محدوده‌های جغرافیایی به چنین مرحله‌ای نزدیک شده‌اند، مقتضی است که احباً در کلیه نقاط در باره ماهیت کمک‌هایی که جوامع پویا و در حال رشد آنها به پیشرفت مادی و معنوی اجتماع ارائه خواهند داد تأمل نمایند. در این خصوص، تفکر در دو حوزه فعالیت که به هم مرتبط و تقویت‌کننده یک‌دیگرند یعنی اشتغال به اقدام اجتماعی و شرکت در گفتمان‌های رایج در اجتماع، سودمند خواهد بود.

(۲۸) جامعه بهائی در طی ده‌ها سال تجربیات زیادی در این دوزمینه کسب کرده است. البته بسیاری از بهائیان از طریق شغل و حرفه خود در اقدام اجتماعی و گفتمان‌های عمومی مشارکت دارند. تعدادی از سازمان‌های غیردولتی که از تعالیم بهائی الهام گرفته‌اند در حوزه توسعه اجتماعی و اقتصادی در سطح منطقه‌ای و ملی برای بهبود اوضاع مردم خود فعالیت می‌کنند. بعضی از نهادهای وابسته به محافل روحانی ملی از طرق مختلف به ترویج افکاری که در بهبود رفاه عمومی مؤثر است، کمک می‌نمایند. در سطح بین‌المللی، نهادهایی مانند دفتر جامعه بین‌المللی بهائی در سازمان ملل متحد وظیفه مشابهی را ایفا می‌کنند. دوستانی که با توده مردم

فعالیّت می‌کنند، تا حدّ لزوم و مطلوب از این تجربیّات و توان‌مندی برای رسیدگی به مسائل اجتماعی اطراف خود استفاده خواهند نمود.

(۲۹) اقدام اجتماعی به بهترین تعریف، طیفی از مجهوداتی است که می‌تواند از یک سو مساعی نسبتاً غیر رسمی و کوتاه‌مدتی را که افراد یا گروه‌های کوچکی از احبّاً انجام می‌دهند شامل شود و از سوی دیگر، برنامه‌های پیچیده و پیشرفته توسعه اجتماعی و اقتصادی سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی را دربرگیرد. هر نوع اقدام اجتماعی، صرف نظر از دامنه و مقیاس آن، کوششی برای به‌کارگیری تعالیم و اصول امر الهی به منظور اصلاح یک و یا بعضی از جنبه‌های حیات اجتماعی یا اقتصادی گروهی از مردم می‌باشد. به این ترتیب، شاخص این گونه مجهودات هدف صریح ترویج رفاه مادی مردم و در عین حال سعادت معنوی آنها است. از جمله تعالیم اساسی دیانت بهائی آن است که تمدن جهانی که اکنون در افق حیات بشری نمایان گردیده باید انسجامی پویا بین نیازهای مادی و معنوی زندگی برقرار سازد. بدیهی است که این آرمان پیامدهای مهمی برای ماهیّت هر اقدام اجتماعی که بهائیان دنبال کنند، صرف نظر از دامنه و تأثیر آن، در بر دارد. هر چند شرایط و احوال از کشور تا کشور بلکه از یک محدوده تا محدوده دیگر تفاوت خواهد داشت و در نتیجه مساعی احبّاً نیز متفاوت خواهد بود اما برخی مفاهیم بنیادین وجود دارد که باید همه آن را در نظر گیرند. یکی از این مفاهیم جایگاه مرکزی دانش در حیات اجتماعی است. تداوم بخشیدن به جهل و نادانی از غم‌انگیزترین انواع جور و ستم است و موجب استحکام و ابقای تعصبات گوناگون می‌گردد، تعصباتی که مانعی در راه تأسیس وحدت عالم انسانی است، وحدتی که در عین حال هم هدف و هم اصل اجرایی امر حضرت بهاء‌الله می‌باشد. دسترسی به دانش حقّ هر یک از افراد بشر است و مشارکت در ایجاد، به‌کارگیری و انتشار آن مسئولیتی است که هر فردی بر حسب استعداد و توانایی خود باید به جهت شرکت در مشروع عظیم بنای یک مدنیّت جهانی بر عهده گیرد. عدالت مشارکت عمومی را ایجاب می‌نماید. در نتیجه، اگرچه اقدام اجتماعی ممکن است عرضه کالا و خدمات را به صورتی شامل شود اما مقصد آن در درجه اول باید ایجاد توان‌مندی در جمعیت مورد نظر باشد تا بتوانند در ساختن یک جهان بهتر مشارکت نمایند. تغییر و تحوّل اجتماعی پروژه‌ای نیست که یک گروه از مردم به جهت خیر و مصلحت گروه دیگر انجام دهد. وسعت و پیچیدگی اقدام اجتماعی باید با منابع انسانی موجود در دهکده یا محله متناسب باشد. بنا بر این بهتر است که مساعی در مقیاس کوچکی آغاز گردد و به طور طبیعی به تناسب افزایش توان‌مندی ساکنین گسترش یابد. البته هم‌چنان که دست‌اندرکاران تغییر و تحوّل اجتماعی می‌آموزند که عناصری از این ظهور اعظم را توأم با یافته‌ها و روش‌های علمی، با کارآیی فزاینده‌ای در برخورد با واقعیت اجتماعی خود، به کار برند توان‌مندی به سطوح جدیدی ارتقا می‌یابد. آنان باید بکوشند تا با بینشی هماهنگ با تعالیم الهی به این واقعیت بنگرند یعنی هم‌نوعان خود را به مثابه معادنی از جواهرگران بها مشاهده نمایند و اثرات فرایند دوگانه سازندگی و تخریب را هم در قلوب و عقول و هم در ساختارهای اجتماعی تشخیص دهند.

(۳۰) به همان گونه که بینش حاصله از شرکت در برخی گفت‌وگوها می‌تواند به روشن شدن مفاهیمی کمک کند که اقدام اجتماعی را شکل می‌دهد، اقدام مؤثر اجتماعی نیز موجب غنی شدن مشارکت در گفت‌وگوهای عمومی می‌گردد. مشارکت در گفت‌وگوهای اجتماعی در سطح محدوده جغرافیایی می‌تواند شامل یک عمل ساده مثل استناد به اصول دیانت بهائی ضمن یک صحبت روزمره تا فعالیت‌های منظم‌تری مانند تهیه مقالات و حضور در جلساتی راجع به مسائل اجتماعی، از جمله تغییر آب و هوا و محیط زیست یا حاکمیت و حقوق بشر، باشد. این مشارکت مستلزم تعامل هدف‌مند و مفید با گروه‌های مدنی و سازمان‌های محلی در دهکده و محله نیز می‌باشد.

(۳۱) در این رابطه ذکر یک هشدار را ضروری می‌دانیم. حائز اهمیت است که همگان به خوبی متوجه باشند که ارزش شرکت در اقدام اجتماعی و گفت‌وگوهای عمومی را نباید بر حسب امکان تسجیل افراد تعیین نمود. گرچه مساعی در این دوزمین ممکن است در افزایش تعداد تسجیل‌شدگان مؤثر باشد ولی اصولاً این اقدامات به این منظور انجام نمی‌شود. اصل ضروری در این مورد خلوص نیت است. به علاوه باید از مبالغه در باره تجارب جامعه بهائی و یا از جلب توجه غیر ضروری به مساعی نوپایی مانند برنامه توان‌دهی روحانی به نوجوانان که بهتر است با سرعت طبیعی خود به پیش رود دوری جست. آنچه در همه موارد باید مورد نظر باشد تواضع و فروتنی است. احباً در اظهار شور و اشتیاق در باره عقاید خود باید از ابراز هر نوع احساس برتری بر دیگران پرهیزند، احساسی که ابراز آن حتی در بین خود احباً شایسته نیست تا چه رسد به مجامع دیگران.

(۳۲) هدف از توصیف این فرصت‌های جدید که اکنون در سطح محدوده جغرافیایی به وجود آمده است این نیست که شما مسیر کنونی خود را به وجهی تغییر دهید. هم‌چنین نباید تصور نمود که این فرصت‌ها نمایانگر پیدایش میدان دیگری از خدمت است که برای جلب منابع محدود مالی و انسانی جامعه با کار ترویج و تحکیم رقابت می‌کند. در طی سال آینده تقویت فرایند مؤسسه آموزشی و الگوی فعالیتی که ایجاد کرده است باید ادامه یابد و تبلیغ بایستی برای هر یک از احباً بالاترین اولویت را داشته باشد. به علاوه مشارکت بیشتر در حیات اجتماع بایستی نابهنگام و عجولانه صورت گیرد. این مشارکت به تدریج با کوشش و پشت کار احباً در هر محدوده جغرافیایی در اجرای مفاد و مندرجات نقشه از طریق فرایند عمل، تأمل، مشورت، مطالعه و نتیجتاً یادگیری به طور طبیعی پیش خواهد آمد. مشارکت در زندگی اجتماع با افزایش تدریجی توان‌مندی جامعه در پیشبرد رشد و حفظ تحرک و پویایی خود، شکوفا خواهد شد و تا حدی که در آن از عناصر چارچوب مفاهیم ذهنی حاکم بر سلسله نقشه‌های جهانی کنونی استفاده شود، با فعالیت‌های ترویج و تحکیم انسجام خواهد یافت و به همان اندازه که این عناصر در زمینه‌های تازه یادگیری به نحو سازنده‌ای به کار گرفته شود، به حرکت جمعیت‌ها به سوی بینش حضرت بهاء‌الله نسبت به یک تمدن جهانی مرفه و صلح‌آمیز کمک خواهد کرد.

*

(۳۳) دوستان عزیز و محبوب، مولای خون حضرت عبدالبهاء به کرات اظهار امیدواری می فرمودند که احباً با یک دیگر در نهایت الفت و محبت باشند، یار و اغیار ندانند بلکه عالم انسانی را یک خاندان و یک سلاله شمرند. نصیحت حضرتش آن است که " بیگانه نبینید بلکه جمیع را آشنا دانید زیرا با وجود ملاحظه بیگانگی محبت و یگانگی مشکل است ". همه پیشرفت های مشروحه در این صفحات، در عمق حقیقتش چیزی جز جلوه ای از محبت شامله محیطه الهیه نیست که به مدد قدرت روح القدس حاصل شده است. مگر نه این است که محبت الله همه حجات بیگانگی و اختلاف را می سوزاند و قلوب را با اتحاد کامل به هم پیوند می دهد؟ مگر نه این است که محبت الله شما را در میدان خدمت به پیش می برد و بینشی عطا می کند که بتوانید در هر انسانی توان مندی شناسایی خداوند و بندگی آستانش را مشاهده نمایید؟ آیا علم به اینکه مظهر ظهور الهی یک عمر رنج و مشقت را با نهایت سرور به خاطر عشق به عالم انسانی تحمل فرمود به زندگی شما تحرک نبخشیده است؟ به هم مسلکان خویش، خواهران و برادران روحانی خود در ایران بنگرید. آیا آن دل دادگان روی جانان مظهر استقامت کبری که منبعث از محبت الله و اشتیاق خدمت به آستان مبارک اوست نیستند؟ آیا توانایی آن عزیزان در تحمل ظالمانه ترین تضییقات و سیر در عوالمی و رای آن، خود نمایان گر آن نیست که میلیون ها نفوس ستم دیده در جهان قادرند به پا خیزند و نقشی مؤثر در استقرار ملکوت الهی بر روی زمین داشته باشند؟ پس با نهایت استقامت و بی اعتنا به ساخت های تفرقه انداز اجتماعی به پیش روید و پیام حضرت بهاء الله را به نفوس مستعد و منتظر در هر محله، هر دهکده و هر گوشه ای از کره ارض برسانید و آنان را به جامعه اسم اعظم رهنمون گردید. در قلوب و ادعیه خود همواره به یاد شما خادمان عزیز امر حضرت رحمان هستیم و پیوسته از درگاهش ملتسمیم که با مراحم غیبیه و عنایات لاریبیه اش شما عزیزان را تأیید و توفیق بخشد.

[امضا: بیت العدل اعظم]

ترجمه‌ای از پیام بیت العدل اعظم الهی
خطاب به بهائیان جهان
(از: مرکز جهانی بهائی)

۲۹ اوت ۲۰۱۰

دوستان عزیز و محبوب،

(۱) عزیمت مرکز میثاق حضرت عبدالبهاء در یک صد سال پیش از حیفاً به مقصد پورت سعید نویددهنده آغاز فصل شکوه‌مند بدیعی در تاریخ امر مبارک بود. سفر هیکل مبارک و مراجعت ایشان به ارض اقدس سه سال به طول انجامید. حضرت ولی امرالله در اشاره به این رویداد تاریخی می‌فرمایند: "استقرار امر مقدس حضرت بهاءالله در نیم کره غربی - درخشان‌ترین دست‌آوردی که تا ابد با ایام قیادت حضرت عبدالبهاء مربوط خواهد بود ... - چنان قوای عظیمه روحانیه و ثمرات جنیه لطیفه‌ای به بار آورده بود که مستلزم الطاف مخصوصه نیر پیمان و مشارکت شخصی مرکز عهد رحمان بود".... با آغاز اسفار تاریخی حضرت عبدالبهاء به غرب، امر الهی که بیش از نیم قرن در محاصره جنود ظلم و عناد قرار داشت از قیود دیرینه‌هایی یافت و برای اولین بار بعد از تأسیس این امر مبین، مرکز معلوم و مرجع منصوص اهل بها آزادی عمل یافت تا فارغ از محدودیت‌ها، مأموریت محوله الهیه خود را دنبال نماید.

(۲) طبق همه موازین دنیوی، بعید به نظر می‌رسید که حضرت عبدالبهاء توان و آمادگی انجام این امر خطیر را داشته باشند زیرا که شصت و شش سال از عمر مبارک‌شان سپری شده، از طفولیت در تبعید و سرگونی بسر برده، مدرسه ندیده، مدت چهل سال در اسارت و زندان زیسته، قوای جسمانی‌شان به تحلیل رفته و با آداب و السنه غربی کاملاً ناآشنا بودند. با این حال، بی‌اعتنا به راحت و آسایش خویش، بی‌توجه به مخاطرات سفر و با اتکالی کامل به تأییدات الهیه برای انتشار امر حضرت پروردگار قیامی دلیرانه فرمودند و با نفوس گوناگون در نه کشور در سه قاره جهان معاشر گردیدند. وسعت و شدت مجهودات خستگی‌ناپذیر هیکل مبارک در این سفر آن‌چنان بود که "عشاق روی مبینش را در شرق و غرب در دریای تحسین و حیرت مستغرق ساخت و نفوذ و تأثیری بی‌زوال" در آینده این امر ابداع اعظم باقی گذاشت.

(۳) بهائیان در سراسر جهان در طی چند سال آینده، رویدادهای اسفار تاریخی حضرت عبدالبهاء را با شادمانی به خاطر خواهند آورد. اما اهمیت این سالگرد فراتر از زمانی برای بزرگداشت است. بیانات مرکز عهد الهی و سلوک و شیم سراسر حکمت و محبت آن طلعت نورا در طی این اسفار، منبع عظیمی از الهام و بصیرت است که مشتاقان روی آن دلبر آفاق امروزه می‌توانند در مساعی خود برای استقبال از نفوس مستعد، افزایش

توانمندی برای خدمت، ایجاد و توسعه جوامع محلی، تقویت تشکیلات امری و یا استفاده از فرصت‌هایی که جهت مشارکت در اقدام اجتماعی و گفتمان‌های عمومی پیش می‌آید، از آن بهره‌گیرند. بنا براین ما اهل بها باید نه تنها در باره توفیقات مرکز میثاق و آنچه حضرتش انجام آن را به جریان انداخت تأمل نماییم بلکه در مورد امور انجام نشده‌ای که هیکل مبارک به ما ارجاع فرموده‌اند نیز به تفکر پردازیم. حضرت عبدالبهاء در الواح نقشه ملکوتی آرزوی قلبی خود را چنین ابراز می‌فرمایند:

ایکاش از برای من میسر می‌شد که پای پیاده ولو به کمال فقر به آن صفحات مسافرت می نمودم و نعره زنان در شهرها و دهات و کوه و بیابان و دریا یا بهاء‌الابهی می‌گفتم و ترویج تعالیم الهی می نمودم ولی حال از برای من میسر نه لهندا در حسرتی عظیم هستم بلکه انشاءالله شماها موفق گردید.

(۴) از زمانی که این بیانات مبارک عزّ‌ص‌دور یافت قریب یک قرن می‌گذرد. نقشه ملکوتی الهی مرحله به

مرحله با موفقیت شایان به موقع اجرا گذاشته شده و امر حضرت یزدان در جمیع اقطار عالم استقرار یافته است. امروزه ما بهائیان در نقاطی که حضرت عبدالبهاء مشتاق سفر به آن بودند زندگی می‌کنیم. آحاد احبّاء، جوامع و تشکیلات بهائی اکنون توانمندی لازم را جهت اقدامات سیستماتیک، پایدار و منسجم کسب کرده‌اند. از اینرو شایسته است که در این ایام پرنجذاب تذکر و یادبود، هر یک از عشاق باوفای طلعت میثاق به اسم آن هیکل انور در میدان خدمت قیامی دلیرانه نماید و سهم خود را، هر چقدر ناچیز، در پیشرفت نقشه‌ای که آن وجود مقدس تدوین فرمود، آن میراث گران‌بهای جاودانی، ادا نماید.

[امضا: بیت العدل اعظم]

ترجمه‌ای از پیام بیت العدل اعظم الهی
خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای
(از: مرکز جهانی بهائی)

۲۸ دسامبر ۲۰۱۰

دوستان عزیز و محبوب،

- (۱) پانزده سال پیش در یک چنین گردهم‌آیی مشاورین قاره‌ای در ارض اقدس برای اولین بار به مسیری اشاره نمودیم که جامعه بهائی می‌بایست برای تسریع فرایند دوگانه ترویج و تحکیم خود بپیماید، مسیری که تجارب اندوخته، جامعه را آماده نموده بود تا با اطمینان در آن گام بردارد. فاصله‌ای که در ظرف این مدت کوتاه طی شده نیازی به اظهار نظر ندارد زیرا دست‌آوردهای موجود خود گویای آن است. امروز از شما عزیزان دعوت می‌نمایم تا در مورد مرحله بعدی مشروع عظیمی که عالم بهائی به آن اشتغال دارد مشورت نمایید. این مرحله از رضوان سال ۲۰۱۱ تا رضوان سال ۲۰۱۶ ادامه خواهد داشت و اولین نقشه از دو نقشه متوالی پنج‌ساله‌ای است که به صدمین سالگرد آغاز عصر تکوین منتهی خواهد گردید. از شما تقاضا می‌کنیم که در طی چند روز آینده تصویر روشنی در ذهن خود ترسیم نمایید که چگونه اعضای هیئت‌های مشاورین و معاونین جامعه بهائی را یاری خواهند داد تا بر مبنای موفقیت‌های خارق‌العاده‌اش به پیشرفت خود ادامه دهد - روحیه یادگیری را که به نحو غیر قابل انکاری از ویژگی‌های مساعی تبلیغی‌اش گردیده به سایر میادین فعالیت تعمیم دهد، توانمندی لازم را برای استفاده منسجم از ابزار و روش‌هایی که با تلاش زیاد به وجود آورده کسب نماید و تعداد کسانی را که با وقوف به بینش امر الهی در اجرای رسالت روحانیش با پشت‌کار فراوان در تلاشند به میزانی بی‌سابقه افزایش دهد.
- (۲) در پیام رضوان امسال ابعاد فرایند یادگیری را که در طی چهار نقشه متوالی مستمراً سرعت گرفته و موجب افزایش توانمندی احباً برای فعالیت در سطح مردمی شده است توصیف نمودیم. این چشم‌انداز به راستی شگفت‌انگیز است. بیش از ۳۵۰,۰۰۰ نفر در سراسر عالم اولین دوره مؤسسه را گذرانده‌اند و توانایی برای ایجاد یک الگوی زندگی ممتاز به خصلت نیایش به نحو محسوسی افزایش یافته است. در محیط‌های گوناگون و در همه قارات، احباً در دعا و مناجات با دیگران متحد شده با تضرع و ابتهال به درگاه حضرت پروردگار توجه نموده و از قوای روحانی‌ای که کارآیی مساعی فردی و جمعی‌شان منوط به آن می‌باشد مدد می‌گیرند. تعداد کل کسانی که بالقوه می‌توانند در مقام معلمین کلاس‌های کودکان خدمت کنند در طی پنج سال تقریباً دو برابر شده و به حدود ۱۳۰۰۰۰ نفر بالغ گشته است. این افزایش به جامعه امکان داده است که به نیازهای روحانی کودکان صمیمانه پاسخ گوید. در طی همان مدت، شش برابر شدن توانمندی برای کمک به نوجوانان به منظور گذر از

چنین مرحله بحرانی حیات‌شان نشانه‌ای از میزان تعهد جامعه نسبت به این گروه سنی می‌باشد. به علاوه در همه جا تعداد قابل ملاحظه‌ای از احبباً خود را آماده می‌یابند تا با مردمی از پیشینه‌ها و علایق گوناگون وارد مکالمه شوند و با هم به کشف واقعیاتی پردازند که به درکی مشترک از نیازهای این دوره از تاریخ بشر و نحوه پاسخگویی به آن می‌انجامد. و مساعی نزدیک به ۷۰۰۰۰ نفر که قادرند در مقام راهنمای حلقه‌های مطالعه خدمت کنند افزایش سیستماتیک فعالیت‌های اساسی نقشه را کمک می‌نماید، فعالیت‌هایی که تعداد شرکت‌کنندگان در آن در سراسر عالم در هر مقطع زمانی رقمی بالغ بر نیم میلیون بوده است.

(۳) با سیستمی که به این ترتیب برای پرورش منابع انسانی ایجاد شده، همان طور که در پیام رضوان ۲۰۱۰ روشن ساختیم، جامعه اسم اعظم وسیله‌ای با امکانات نامحدود به دست آورده است. در تحت شرایطی بسیار متنوع و عملاً در همه محدوده‌های جغرافیایی، چند نفر در مقام هسته مرکزی یک گروه در حال تزیاد می‌توانند جنبشی مردمی به سوی هدف یک نظم جهانی به وجود آورند. ده سال پیش هنگامی که برای اولین بار مفهوم محدوده را که یک ساخت جغرافیایی به منظور تسهیل تفکر در مورد رشد امرالله است مطرح نمودیم توضیحی نیز در باره چهار مرحله کلی در مسیر توسعه آن ارائه دادیم. با اجرای نقشه توسط جامعه بهائی این توضیح در تجسم و توصیف آنچه اساساً یک فرایند مستمر است بسیار مفید واقع شد. تجارب فراوانی که تا به حال به دست آمده اکنون احبباً را قادر می‌سازد که حرکت یک جمعیت را که به مدد قوای روحانی متزیاد پیش می‌رود به صورت یک پیوستار غنی و پویا تصور نمایند. یک بررسی کوتاه از فرایندی که در محدوده جغرافیایی بسط می‌یابد، گرچه همگی با آن آشنایی کامل دارید، کمکی به تأکید بر ماهیت ارگانیک آن خواهد بود.

برنامه رشد

(۴) فرصت‌های حاصله از اقدامات شخصی احبباً، و یا احیاناً فعالیت‌های یک مهاجر داخلی، در جهت شروع مکالمات هدف‌مند و پرمحتوا با ساکنین محل نحوه آغاز فرایند رشد در یک محدوده جغرافیایی را تعیین می‌کند. یک حلقه مطالعه مرکب از چند دوست یا همکار، کلاسی برای چند کودک محله، گروهی برای نوجوانان در ساعات بعد از مدرسه، یک جلسه دعا برای دوستان و بستگان - هر یک از این اقدامات می‌تواند محرک رشد باشد. پیشرفت‌های بعدی تابع مسیری نیست که از قبل مشخص شده باشد. شرایط ممکن است ایجاب نماید که به یک فعالیت اساسی اولویت داده شود و به میزانی سریع‌تر از سایر فعالیت‌ها افزایش یابد. این امکان نیز وجود دارد که هر چهار فعالیت اساسی با سرعتی مشابه پیش رود. ممکن است گروه‌های سیار دعوت شوند تا به مجموعه فعالیت‌های نوشکفته تحرک بخشند. اما نتیجه نهایی قطع نظر از ویژگی‌ها باید یکسان باشد. انسجام حاصله بین فعالیت‌های اساسی در داخل هر محدوده جغرافیایی باید به میزانی برسد که در مجموع بتوان یک برنامه نوپا جهت ترویج و تحکیم پایدار امرالله را مشاهده نمود. بدین معنا که جلسات دعا، کلاس‌های

کودکان و گروه‌های نوجوانان، با هر ترکیب و هر تعداد، توسط کسانی اداره می‌شود که دوره‌های متسلسل مؤسسه آموزشی را طی کرده‌اند و به آن بینش تقلیب و تغییر فردی و جمعی که این دوره‌ها ترویج می‌دهند پای‌بندند. این نخستین حرکت منابع انسانی به میدان عمل سیستماتیک اولین نماد پیشرفت از نمادهای متعدّد یک فرایند رشد پایدار می‌باشد.

(۵) همه مؤسّسات و نهادهای امری، و بیش از همه اعضای هیئت معاونت، که اهداف سلسله نقشه‌های جهانی جاری را ترویج می‌نمایند باید آن چالاک‌گی و هوشیاری را که تولّد یک چنین فرایند پویایی ایجاب می‌کند از خود نشان دهند. کمک به احبّا برای تجسّم این اولین نماد و راه‌های متعدّد وصول به آن جزو وظایف اصلی هر عضو هیئت معاونت و تعداد فزاینده‌ای از مساعدين آنها است. در این مورد نیز مانند دیگر کارهایشان باید وسعت نظر و روشنی فکر، انعطاف‌پذیری و کاردانی و ابتکار از خود نشان دهند. بایستی دوش به دوش احبّا حرکت کنند، آنان را در تلاش‌هایشان حمایت نمایند و در شادی آنها شریک باشند. بعضی از این دوستان به سرعت در صفّ اول فعالیت‌ها قرار خواهند گرفت در حالی که دیگران با احتیاط بیشتری گام بر خواهند داشت ولی همه نیازمند تشویق و حمایت هستند اما نه تشویق و حمایت نظری بلکه بر اساس دانش واقعی که تنها با خدمت در کنار یکدیگر حاصل می‌گردد. ایمان به توانمندی هر فرد مشتاق به خدمت از طرف کسانی که مایلند احبّا را به مشارکت جدی در اجرای نقشه ترغیب نمایند حائز اهمّیت بسیار خواهد بود. محبّت بدون قید و شرط و فارغ از حسّ برتری برای کسانی که می‌خواهند به احبّا کمک کنند تا تردید را به شهامت ناشی از ایمان به خدا و هیجان‌طلبی را به تعهد نسبت به اقدام درازمدت تبدیل نمایند از ضروریات خواهد بود. عزم جزم همراه با آرامش در تلاش برای تبدیل موانع به وسیله‌ای برای پیشرفت جنبه‌حیاتی خواهد داشت. آمادگی برای گوش دادن، توأم با بصیرت عمیق روحانی، برای تشخیص موانعی که می‌تواند بعضی از احبّا را از درک ضرورت وحدت در عمل بازدارد، بسیار ارزشمند خواهد بود.

تشدید فعالیت‌ها

(۶) توجه به این نکته حائز اهمّیت است که با ایجاد یک برنامه رشد، بروز یک حسّ تعلق به جامعه شروع به اثرگذاری بر سیر وقایع می‌نماید و چه این فعالیت‌ها در سطح محدوده جغرافیایی پراکنده باشد و چه در یک دهکده یا محله متمرکز گردد احساس یک هدف مشترک و یزگی مساعی دوستان خواهد بود. با هر میزانی از سازمان‌دهی که فعالیت‌ها بعد از بروز اولیّه این احساس هدایت شده باشد، ازدیاد سیستماتیک و متوازن فعالیت‌های اساسی سطوح بالاتری از آن را ایجاب خواهد کرد. از طریق تمهیدات گوناگون، فعالیت‌ها بیش از پیش سازمان می‌یابد و ابتکار شخصی که در گذشته عمدتاً نمایان‌گر میل و اراده فرد بود اکنون بیان‌گر خواست جمعی می‌گردد. تعدادی هماهنگ‌کننده که از طرف مؤسسه آموزشی منصوب شده‌اند به میدان خدمت وارد

می‌شوند - بعضی برای حلقه‌های مطالعه، برخی برای گروه‌های نوجوانان و هم‌چنین برای کلاس‌های کودکان. انتصاب این نفوس به هر ترتیب و نوبتی که صورت گیرد بالقوه قابل قبول است. هیچ امر دیگری به غیر از آگاهی دقیق از اوضاع محل نباید تعیین‌کننده نوبت این انتصاب باشد زیرا آنچه مطرح است رعایت مجموعه‌ای از مقررات نیست بلکه بسط یک فرایند آموزشی است که ظرفیت بالقوه آن برای توان‌دهی روحانی به تعداد زیادی از افراد در حال جلوه و بروز می‌باشد.

(۷) به موازات استقرار مکانیزم‌هایی جهت حمایت از فرایند مؤسسه آموزشی ساختارهای اداری دیگری تدریجاً شکل می‌گیرد. ملاقات‌های پراکنده چند نفر از احباً به تبادل نظرهای منظم یک گروه مرکزی از دوستانی تبدیل می‌شود که تعدادشان در حال افزایش است و علاقه‌مندند انرژی فزاینده‌ای را صرف خدمت نمایند. با شتاب گرفتن فرایند رشد، چنین ترتیبی نهایتاً پاسخگوی نیازهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری نخواهد بود و لجنة تبلیغ ناحیه‌ای تشکیل می‌شود و جلسات تأمل و بازنگری نهادینه می‌گردد. با تعاملات مشترک لجنة، مؤسسه آموزشی و اعضای هیئت معاونت، طرحی کامل برای هماهنگ نمودن فعالیت‌ها به اجرا در می‌آید، طرحی که بالقوه دارای همه قابلیت‌های مورد نیاز برای تسهیل مؤثر ابلاغ هدایات، حرکت منابع مالی و توزیع اطلاعات می‌باشد. در این زمان، فرایند رشد در محدوده جغرافیایی ترتیبی خواهد داشت که با ادوار مشخص ترویج و تحکیم توازن یافته است و هر سه ماه یک بار با تشکیل جلسه‌ای برای تأمل، بازنگری و برنامه‌ریزی، بدون وقفه به پیش می‌رود.

(۸) در این مرحله نیز اعضای هیئت معاونت و دیگر مؤسسات و نهادهای مربوطه مانند شورای منطقه‌ای و هیئت‌مدیره مؤسسه آموزشی باید تمهیدات لازم را مجری دارند تا ساختارهای اداری که در محدوده جغرافیایی شکل می‌گیرد از خصوصیات لازم برخوردار باشد. دوره‌های متسلسل که فرایند تقلیب جامعه را به نحوی چنین مؤثر تسهیل می‌نماید و استفاده از آن را به همه مؤسسات آموزشی توصیه نموده‌ایم، به خصوص چنان طرح‌ریزی شده است که جوی ایجاد نماید که هم مشارکت عمومی را سبب گردد و هم به حمایت و مساعدت متقابل کمک نماید. در پیام رضوان، ماهیت روابط بین افراد را در چنین محیطی که همگی خود را رهروان یک مسیر مشترک خدمت می‌بینند به اختصار شرح دادیم و هم‌چنین اشاره نمودیم که چنین محیطی بر امور اداری امر الله بی‌تأثیر نیست. احباً با مشارکت روزافزون در امور تبلیغی و اداری، مشارکتی که با حالت یادگیری خاضعانه صورت می‌گیرد، هر وظیفه و هر تعاملی را باید فرصتی برای همکاری در جهت پی‌گیری پیشرفت و موهبتی برای همراهی یکدیگر در میدان خدمت به امر الله بدانند. از این طریق گرایش به زیاده‌روی در تعلیم کاهش خواهد یافت و تمایل به تقلیل یک فرایند پیچیده تقلیب روحانی به چند گام ساده بر طبق مقررات یک دستورالعمل برطرف خواهد شد. اقدامات پراکنده در زمینه‌ای مشترک مرتبط می‌گردد و حتی کوچک‌ترین گام‌ها پرمعنا می‌شود. عمل کرد

قوای روحانی در میدان خدمت به طور روزافزون نمایان می‌شود و پیوندهای دوستی که برای یک الگوی صحیح رشد جنبه حیاتی دارد مستمراً تقویت می‌گردد.

(۹) در این صحنه که فرایندها بسط می‌یابد، ساختارها شکل می‌گیرند و دوستی‌ها تداوم پیدا می‌کند، آن لحظه‌ای که به "آغاز" یک برنامه فشرده رشد معروف گردیده نشانه این تشخیص آگاهانه است که همه عناصر لازم برای تسریع ترویج و تحکیم امر الله نه تنها موجود بلکه از کارایی لازم نیز برخوردار است و علامت بلوغ نظمی دائم التوسعه و خودکفا برای تهذیب روحانی یک جمعیت است: گروه‌هایی از دوستان به طور مداوم دوره‌های مؤسسه آموزشی را طی می‌کنند و به فعالیت‌های مربوطه مشغول می‌شوند و این فعالیت‌ها به نوبه خود باعث افزایش تعداد مقبلین جدید می‌گردد که پیوسته درصد قابل ملاحظه‌ای از آنان به فرایند مؤسسه آموزشی می‌پیوندند و بدین ترتیب گسترش سیستم تضمین می‌گردد. این قابلیت، نماد دیگری از پیشرفت در یک فرایند رشد پایدار است که دوستانی که در محدوده جغرافیایی به فعالیت اشتغال دارند باید به آن برسند.

(۱۰) منظور از تکرار آنچه در پیام‌های قبلی بیان کرده‌ایم تأکید بر این نکته است که چگونه حرکت یک جمعیت، حرکتی ملهم از مقاصد و اصول امر الهی، وقتی دست‌خوش ملاحظات نامربوط نگردد می‌تواند به راحتی گسترش یابد. البته تصور این نیست که مسیری که در فوق به اختصار توصیف گردیده عاری از مشکلات باشد. پیشرفت نتیجه عبور از فراز و نشیب بحران و پیروزی است و برخورد به موانع اجتناب‌ناپذیر است. کاهش در مشارکت، اختلال در ادوار فعالیت‌ها، شکاف موقت در پیوندهای اتحاد از جمله چالش‌های بی‌شماری است که باید احتمالاً با آن روبه‌رو شود. در بسیاری از موارد افزایش منابع انسانی یا توانایی استفاده از خدمات‌شان پاسخگوی نیازهای ترویج سریع نخواهد بود. ولی با تحمیل فرمولی بر این فرایند نیز یک الگوی رشد با توازن مطلوب حاصل نخواهد شد. عدم توازن در پیشرفت فعالیت‌های مختلف جزئی از طبیعت این فرایند است و با صبر و به مرور زمان می‌توان آن را تعدیل نمود. کاهش دادن یک فعالیت در حال شکوفایی بر اساس تصورات نظری در مورد چگونگی حصول رشد متعادل، غالباً نتیجه معکوس به بار می‌آورد. اگرچه ممکن است اجبای یک محدوده جغرافیایی از تجارب کسانی بهره‌مند گردند که الگوی لازم برای عمل را در محدوده‌های دیگر پیاده کرده‌اند ولی تنها از طریق مشارکت خودشان در اقدام مستمر و تأمل و مشورت است که می‌آموزند قرائتی از واقعیات اطراف خود داشته باشند، امکانات خویش را تشخیص دهند، از منابع خود استفاده نمایند و به نیازهای ترویج و تحکیم در مقیاس وسیع پاسخ گویند.

(۱۱) امروزه حدود ۱,۶۰۰ محدوده جغرافیایی در سراسر جهان وجود دارد که در آن دوستان موفق شده‌اند الگوی عمل برای یک برنامه فشرده رشد را ایجاد نمایند. اگرچه این دست‌آورد مهم است ولی به هیچ وجه نمی‌توان آن را حدّ اعلاّی فرایندی دانست که در هر محدوده شتاب گرفته است. مرزهای جدیدی از یادگیری اکنون به روی دوستان باز شده است و از آنان دعوت می‌شود که قوای خود را وقف ایجاد جوامعی نمایند که پویا و

در حال رشد بوده دیدگاه حضرت بهاءالله برای بشریت را بیش از پیش منعکس می‌سازد. این محدوده‌های جغرافیایی هم‌چنین باید منبعی بالقوه از مهاجرتی باشد که بیشتر در میدان مهاجرت داخلی به محدوده‌های جغرافیایی یکی بعد از دیگری اعزام شوند تا در بعضی از این محدوده‌ها اولین اشعه انوار ظهور جمال مبارک را تابان نمایند و در برخی دیگر حضور امر الهی را قوی سازند و کلاً همه را قادر نمایند که به طرف اولین نماد پیشرفت در مسیر توسعه فرایند رشد و یا وراى آن با سرعت پیش روند. با توجه به این نکات، در رضوان سال ۲۰۱۱ از جامعه اسم اعظم دعوت خواهیم نمود که در طی پنج سال آینده تعداد محدوده‌های جغرافیایی را که در آن یک برنامه رشد، در هر سطحی از فشردگی، در جریان است به ۵,۰۰۰ یعنی تقریباً معادل یک سوّم تمام محدوده‌های جغرافیایی فعلی موجود در جهان افزایش دهند.

پیشبرد مرزهای یادگیری

(۱۲) آنچه در صفحات فوق و در پیام‌های متعدد در طی پانزده سال اخیر توصیف نموده‌ایم می‌توان به منزله تازه‌ترین رویکرد از یک سلسله رویکردهایی دانست که از بدایت امر تا به حال برای رشد جامعه بهائی اتخاذ شده و هر یک متناسب با اوضاع و احوال تاریخی خاص خود بوده است. این فرایند رشد که به نیروی خلاقه الهی در حرکت است بیش از یک صد و شصت سال پیش با شور و شوق عمیق ناشی از اجابت ندای یوم جدید ربّ مجید توسط هزاران نفر در مهد امرالله آغاز گردید و با تلاش‌های مؤمنین اولیه برای رساندن پیام حضرت بهاءالله به کشورهای همسایه در شرق و جمعیت‌های پراکنده‌ای در غرب تحرک یافت. با صدور الواح نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء ساختار عظیم تری یافت و با استقرار سیستماتیک مهاجرین در سراسر کره ارض در تحت هدایات حضرت ولی امرالله به منظور تأسیس مراکز کوچکی از فعالیت‌های بهائی و بنای اولین ستون‌های نظم اداری شدت یافت. با اقبال جم غفیری به امر مبارک این فرایند در مناطق روستایی جهان قوت گرفت اما در حالی که احباً در صدد یافتن تدابیری برای تداوم ترویج و تحکیم در مقیاس وسیع برآمدند پیشرفت آن به نحو قابل ملاحظه‌ای کند گردید. سرعت این فرایند در پانزده سال گذشته، بعد از آنکه در آغاز نقشه چهارساله از عالم بهائی دعوت نمودیم که بر اساس تجارب حاصله در طی ده‌ها سال یادگیری دشوار ولی گران بها امر تبلیغ را بر پایه‌ای سیستماتیک قرار دهد، مرتباً در حال افزایش بوده است. رویکرد کنونی رشد، با وجود کارآیی آن، پس از اینکه در یک محدوده جغرافیایی قوام گرفت باید باز هم از نظر پیچیدگی و آراستگی تکامل یابد تا "نیروی اجتماع‌سازی" را که در بطن امر الهی نهفته است بیش از پیش نمایان سازد.

(۱۳) حضرت ولی محبوب امرالله در اشاره به پیشرفت جامعه جهانی بهائی به کرات احباً را تشویق می‌فرمودند که در مقصد خود ثابت قدم بمانند و در مساعی خویش استقامت ورزند. هیکل مبارک با رضایت خاطر از فعالیت احباً می‌فرمایند که "با آگاهی از مسئولیت‌های عالیّه خویش و اعتماد به نیروی اجتماع‌سازی که آیین‌شان دارا است

مساعی خود را بی‌هراس و بی‌واهمه برای ایجاد و اِکمال و سایل و ابزار لازمه‌ای معطوف می‌دارند که نظم جنینی جهانی حضرت بهاء‌الله می‌تواند در آن رشد و توسعه یابد. "سپس به آنان یادآوری می‌فرمایند که "همین فرایند نامشهود و بطیء سازندگی" است که "تنها امید" بشریتی مأیوس و سرگردان می‌باشد. از آثار حضرت ولی‌امرالله کاملاً روشن است که این فرایند به توسعه و نفوذ خود ادامه خواهد داد و نظم اداری به موقع نشان خواهد داد که "نه تنها قابلیت آن را دارا است که به منزله هسته نظم بدیع الهی محسوب گردد بلکه نمونه کامل آن است". در جهانی که بنیان مؤسّسات سیاسی و اجتماعی اش معیوب، بینش تاریک، وجدانش آشفته و نظام‌های دینیش ضعیف و عاری از فضایل و مناقب است، این عامل شفابخش، این نیروی تقلیب‌کننده، این قوّه الفت‌دهنده در غایت جلوه و تأثیر به تدریج در کالبد مؤسّسات متبلور می‌شود و نیروهایش را بسیج می‌کند".

(۱۴) آنچه باید بدیهی باشد این است که اگر این نظم اداری قرار است الگویی برای اجتماع آینده باشد پس جامعه‌ای که این الگو در درون آن پرورش می‌یابد نه تنها بایستی توان‌مندی لازم را کسب نماید تا بتواند به نیازهای مادی و معنوی بیش از پیش پیچیده پاسخ گوید بلکه باید به نحو روزافزونی بزرگ‌تر و گسترده‌تر گردد. چگونه می‌تواند غیر از این باشد. یک جامعه کوچک که اعضای آن به سبب عقاید مشترک‌شان با یکدیگر متحدند، آرمان‌های والا و ویژگی خاص آن است، در اداره امور خویش ماهر و در برآوردن نیازهای خود کارآمد است و احتمالاً به چند طرح بشردوستانه نیز اشتغال دارد - یک چنین جامعه‌ای شکوفا ولی دور از واقعیت‌هایی که توده‌های وسیع بشریت با آن سروکار دارند هرگز نمی‌تواند امیدوار باشد که به منزله الگویی برای تجدید ساختار تمامی جامعه بشری عمل نماید. مایه سرور عمیق این جمع است که جامعه بهائی در سراسر عالم توانسته است از خطرات خودخوشنودی و سهل‌انگاری بپرهیزد. جامعه براستی زمام امور ترویج و تحکیم خود را به خوبی در دست دارد. اما تا یادگیری روش‌های تمشیت امور تعداد فزاینده‌ای از مردم در روستاها و شهرهای مختلف کره زمین و معرفی معیارهای نظم جهانی حضرت بهاء‌الله به جهانیان هنوز راه درازی در پیش است.

(۱۵) رسیدن به این هدف و وظیفه خطیری است که پیش‌گامان فرایند یادگیری باید آن را بپذیرند، فرایندی که پیشرفت آن در طی نقشه آینده ادامه خواهد یافت. هر جا یک برنامه فشرده رشد تأسیس می‌گردد شایسته است که دوستان نهایت سعی و کوشش خود را جهت بالا بردن سطح مشارکت مبذول دارند. به جا است که به شدت تلاش کنند تا سیستمی که با چنین زحمتی به وجود آورده‌اند محدود و درون‌گرا نشود بلکه بیش از پیش گسترش یابد و مردمان بیشتری را در برگیرد. حال که نسبت به توانایی خود در تعامل با مردم از همه طبقات و مکالمه با آنها در باره مقام حضرت بهاء‌الله و ظهور اعظمش اعتماد بیشتری کسب نموده‌اند نباید استعداد روحانی قابل ملاحظه و فراتر از آن، حس اشتیاقی را که در مردم یافته‌اند نادیده بگیرند. و یقین داشته باشند که معرفی مستقیم امر مبارک هنگامی که با عمق کافی صورت گیرد و از طریق رویکرد مناسبی نسبت به تحکیم تقویت گردد می‌تواند نتایج پایدار به بار آورد. به جا است که درس‌های گذشته را فراموش نکنند، درس‌هایی که شکی باقی نگذاشته

است که یک گروه نسبتاً کوچک از پشتیبانان فعال امر هر چقدر هم عالم و کاردان و از جان گذشته و فداکار باشند قادر نخواهند بود پاسخگوی نیازهای جوامعی باشند که مشتمل بر صدها نفر مرد و زن و کودک است تا چه رسد به هزاران نفر. مقتضیات مسئله کاملاً روشن است. اگر در یک محدوده جغرافیایی تعداد افرادی که مسئولیت ترویج و تحکیم را بر عهده می‌گیرند ده‌ها نفر است و چندصد نفر در فعالیت‌های حیات جامعه مشارکت می‌نمایند هر دو رقم باید به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد به طوری که در پایان نقشه صد یا دویست نفر مشارکت هزار یا دوهزار نفر را تسهیل نمایند.

(۱۶) مایه امیدواری است که در حال حاضر در ۳۰۰ محدوده از ۱,۶۰۰ محدوده جغرافیایی در سراسر عالم با برنامه‌های فشرده رشد، احباً به میدان جدیدی از یادگیری که اکنون به روی آنها گشوده شده است گام نهاده و در تعدادی نه چندان کم از این محدوده‌ها این یادگیری وسعت بیشتری پیدا کرده است. تقویت فرایندهای آموزشی که توسط مؤسسه آموزشی در همه این قبیل محدوده‌ها، هر یک بر حسب شرایط خود، آغاز گردیده یعنی تشکیل کلاس‌های منظم برای خردسال‌ترین اعضای جامعه، تأسیس گروه‌های به هم وابسته نوجوانان و حلقه‌های مطالعه برای جوانان و بزرگسالان البته حائز اهمیت بسیار است. قسمت اعظم آنچه که لازمه این تقویت می‌باشد در پیام رضوان توضیح داده شده است. در چنین محدوده‌هایی، دوستانی که از نزدیک شاهد اثرات تقلیب‌کننده فرایند مؤسسه آموزشی بوده‌اند بدون استثنا در تلاشند تا درک کامل‌تری از ویژگی‌های نهفته آن پیدا کنند یعنی روح دوستی و رفاقتی که به وجود می‌آورد، روش مشارکتی که اتخاذ می‌نماید، عمق فهمی که ترویج می‌دهد، خدماتی که توصیه می‌کند و بالاتر از همه اتکای آن به کلام الهی. آنان از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند تا این فرایند بازتابی باشد از آنچه دوره‌های مؤسسه آموزشی به وضوح بر آن تأکید دارد - مکملیت "بودن" و "عمل کردن"، مرکزیت دانش و کاربرد آن، اجتناب از دوگانگی‌های ساختگی، اهمیت حفظ کردن کلام الهی و توجه به بالا بردن سطح آگاهی بدون بیدار کردن نفس اماره.

افزایش قابلیت برای اداره امور

(۱۷) هرچند در محدوده‌های جغرافیایی که پیش‌گام یادگیری هستند عناصر اصلی فرایند رشد تغییر نمی‌کند ولی تنها افزایش تعداد نفرات و فعالیت‌ها مستلزم آن است که طرح‌های سازمان‌دهی به سطحی پیچیده‌تر برسد. ابداعات و نوآوری‌های مختلفی تا به حال بر حسب مقتضیات جغرافیایی و رشد کمی جامعه عرضه گردیده است مانند: تقسیم محدوده جغرافیایی به واحدهای کوچک‌تر، تمرکززدایی در تشکیل جلسات تأمل و بازنگری، تعیین دستیار برای هماهنگ‌کنندگان مؤسسه آموزشی و اعزام گروه‌هایی از احبای باتجربه برای حمایت از دیگران. این جمع اطمینان کامل دارد که در طی نقشه آینده دارالتبلیغ بین‌المللی با مساعدت ارزنده شما این پیشرفت‌ها را پی‌گیری کرده کمک خواهد نمود تا درس‌های آموخته‌شده در قالب روش‌ها و ابزار آموخته تثبیت

گردد. به این منظور، به همت شما و اعضای هیئت معاونت باید جوی به وجود آید که احباً را تشویق نماید تا روش مند باشند ولی نه انعطاف ناپذیر، خلاق باشند ولی نه بی نظم، قاطع باشند ولی نه عجول، مراقب باشند ولی نه سلطه جو، و آگاه باشند که در نهایت، وحدت فکر و اقدام مستمر و اشتیاق به یادگیری است که باعث پیشرفت می‌گردد نه فن و مهارت.

(۱۸) ماهیت ترتیب هماهنگ نمودن فعالیت‌ها در مقیاس وسیع در سطح محدوده جغرافیایی هر چه باشد، تداوم پیشرفت بستگی به رشد محافل روحانی محلی و افزایش قابلیت شوراهای منطقه‌ای بهائی و نهایتاً محافل روحانی ملی خواهد داشت. در پیام رضوان، خرسندی خود را از ملاحظه رشد قابلیت محافل ملی ابراز داشتیم و حال نیز با خوش بینی به پنج سال آینده می‌نگریم و اطمینان داریم که در این راستا شاهد جهش‌های قابل ملاحظه‌ای خواهیم بود. به علاوه تردیدی نداریم که شما به اتفاق محافل ملی قادر خواهید بود به شوراهای منطقه‌ای کمک نمایید تا توانمندی تشکیلاتی خود را افزایش دهند. در حال حاضر ۱۷۰ شورای منطقه‌ای در ۴۵ کشور در سراسر عالم وجود دارد و مطمئناً تعداد آنها در طی نقشه بعدی افزایش خواهد یافت. همه شوراهای منطقه‌ای باید توجهی دقیق به عملیات مؤسسه آموزشی و وظایف لجنت تبلیغ ناحیه‌ای مبذول دارند. در این راستا در خواهند یافت که باید مکانیزم‌هایی را ایجاد و تلطیف نمایند که به پیشبرد الگوی رشد محدوده جغرافیایی و فرایند یادگیری مربوط به آن کمک نماید از قبیل: یک دفتر منطقه‌ای کارآمد که در امور اولیه سازمان‌دهی به منشی کمک نماید، یک سیستم مناسب حساب‌داری که ارسال منابع مالی به محدوده جغرافیایی و بالعکس را از طریق مجاری مختلف ممکن سازد، یک وسیله کارآمد ارتباطات که با واقعیت‌های زندگی در دهکده و محله تناسب داشته باشد، و در صورت اقتضا، یک ساختمان که انجام فعالیت‌های متزاید و متمرکز را تسهیل نماید. آنچه در این راستا قبولش حائز اهمیت می‌باشد این است که چنین مکانیزم‌هایی تنها وقتی مؤثر واقع خواهد شد که شوراهای منطقه‌ای خود با روحیه یادگیری به انجام وظیفه مشغول باشند. در غیر این صورت، مکانیزم‌هایی که به وجود می‌آید اگرچه به صورت ظاهر برای آن است که به یادگیری در حین عمل تعداد فزاینده‌ای از شرکت‌کنندگان در محله‌ها و دهکده‌ها کمک کند ولی ممکن است از طرفی ناملموس اثرات منفی بر یادگیری داشته و به طور ناخواسته امیدهای فزاینده در سطح مردمی را فرونشاند.

(۱۹) در حالی که همکاری با محافل روحانی ملی و شوراهای منطقه‌ای یکی از مسائل مهم مورد توجه شما خواهد بود اعضای هیئت معاونت می‌بایستی بیش از پیش نیروی خود را صرف پرورش توانمندی تشکیلاتی در سطح محلی نمایند چه که در این سطح است که نیاز به جامعه‌سازی به وضوح احساس می‌شود. به منظور کمک به اینکه بتوانید وظایف اعضای هیئت معاونت و مساعدین‌شان را در همه جا، به خصوص در محدوده‌های جغرافیایی با برنامه‌های ترویج و تحکیم در مقیاس وسیع، تجسم نمایید از شما می‌خواهیم که اول در باره تکامل

محافل روحانی محلی در بسیاری از مناطق روستایی جهان تأمل نمایید، مناطقی که امروزه بخش اعظم چنین محدوده‌هایی را در بر می‌گیرد.

(۲۰) همان طور که مطلعید در یک محدوده روستایی که شامل تعدادی ده و شاید یک یا دو شهر کوچک می‌باشد مساعی احبّاء، در دورانی که الگوی عمل مربوط به یک برنامه فشرده رشد در حال شکل‌گیری است، غالباً منحصر به چند محل می‌باشد. اما همان طور که در پیام رضوان امسال توضیح داده شده این الگورا بعد از استقرار می‌توان به سرعت به سایر دهکده‌ها یکی بعد از دیگری گسترش داد. در هر محل، ابتدا محفل روحانی محلی تأسیس می‌گردد و تکامل مستمر آن مسیری را طی می‌کند که به موازات و کاملاً مرتبط با فرایند نوپای رشدی است که در دهکده جریان دارد. رشد محفل محلی را نیز باید مانند دیگر جنبه‌های این فرایند از زاویه پرورش قابلیت نگرینست.

(۲۱) آنچه در وهله اول باید انجام شود نسبتاً واضح است: آگاهی فردی از فرایند رشدی که در دهکده در حال شتاب‌گیری است و نتیجه اشتغال شخصی هر فرد در فعالیت‌های اساسی نقشه می‌باشد بایستی به یک آگاهی جمعی بدل شود که هم ماهیت تقلیب و تغییر در حال وقوع را تشخیص دهد و هم به وظیفه محفل روحانی برای پرورش آن واقف باشد. بدون شک بعضی از وظایف اولیه اداری امری مانند تشکیل جلسات نسبتاً منظم محفل، برگزاری ضیافت نوزده‌روزه و تدارک بزرگداشت ایام متبرکه، تأسیس یک صندوق محلی و انجام انتخابات سالیانه طبق اصول بهائی، باید مورد توجه قرار گیرد. ولی برای محفل روحانی محلی نباید مشکل باشد که هم‌زمان با این مساعی و به تشویق یکی از مساعدین اعضای هیئت معاونت در باره یک یا دو مسئله خاص که با حیات جامعه ارتباط نزدیک دارد به مشورت پردازد. مثلاً، چگونه خصلت نیایش در دهکده از طریق مساعی افرادی که اولین دوره مؤسسه آموزشی را به اتمام رسانده‌اند تقویت می‌شود؟ چگونه معلمینی که توسط مؤسسه تعلیم داده شده‌اند به تربیت روحانی کودکان رسیدگی می‌کنند؟ چگونه استعداد نوجوانان از طریق برنامه توان‌دهی روحانی شکوفا می‌شود؟ و چگونه بافت روحانی و اجتماعی جامعه با ملاقات دوستان در منازل یکدیگر تقویت می‌گردد؟ با مشورت در باره چنین مطالب مشخصی، محفل می‌آموزد که فرایند رشد را صبورانه و با محبت پرورش دهد و روابطش با لجنة تبلیغ ناحیه‌ای و با مؤسسه آموزشی بر اساس یک مقصد مشترک مستحکم می‌گردد. اما از همه مهم‌تر بنای شالوده‌ای را آغاز خواهد کرد که بر روی آن می‌توان آن روابط بسیار صمیمانه و حمایت‌آمیزی را که محافل روحانی باید با افراد احبّاء برقرار سازند و حضرت ولیّ محبوب امر الله آن را در بسیاری از توقیعات خود توصیف فرموده‌اند بنا نمود.

(۲۲) واضح است که یادگیری شور و مشورت در باره مسائل خاص مربوط به نقشه جهانی هر قدر مهم و اساسی باشد فقط یکی از ابعاد فرایند ایجاد توان‌مندی است که محفل روحانی محلی باید به آن اشتغال ورزد. تکامل مستمر محفل روحانی اطاعت از این دستور حضرت عبدالبهاء را ایجاب می‌نماید که

می‌فرمایند: "مذاکرات به تمامها محصور در امور روحانیّه که تعلق به اداره تربیت نفوس و تعلیم اطفال و اعاشه فقرا و اعانه ضعفا جمیع فرق عالم و مهربانی به کلّ امم و نشر نفعات الله و تقدیس کلمه الله باشد". پیشرفت پایدار محفل مستلزم تعهد استوار به پیشبرد مصالح جامعه و مراقبت در حفظ فرایند رشد از نفوذ نیروهای انحطاط اخلاقی است که خطر متوقف نمودن آن را دارد. لازمه ترقی مداوم محفل ایجاد حسّ وسیع تری از مسئولیت است، مسئولیتی که از دایره دوستان و خانواده‌هایی که به فعالیت‌های اساسی نقشه اشتغال دارند فراتر رفته تمامی جمعیت دهکده را در برگیرد. آنچه بلوغ تدریجی محفل را استمرار خواهد بخشید ایمانی راسخ به وعده حضرت عبدالبهاء است که می‌فرمایند هر محفل روحانی را در کف حفظ و حمایت خود خواهند گرفت.

(۲۳) مسئله دیگری که با این افزایش آگاهی جمعی مرتبط است رشد فزاینده توانایی محفل روحانی در ارزیابی و استفاده صحیح از منابع، اعم از مالی و غیره، هم در حمایت از فعالیت‌های جامعه و هم در ایفای وظایف اداری خویش است که ممکن است در بعضی موارد شامل انتصاب سنجیده لجنات و استفاده از یک ساختمان ساده نیز باشد. مسئله بسیار مهم دیگر توانایی محفل برای به وجود آوردن محیطی است که مشوق وحدت در عمل با شرکت تعداد زیادی از افراد باشد و توجه به اینکه انرژی و استعداد این افراد قطعاً کمکی به پیشرفت امور نماید. در همه این موارد، سلامت روحانی جامعه همواره بالاترین اولویت محفل است. و هرگاه مشکلات اجتناب‌ناپذیری پیش بیاید، چه در ارتباط با بعضی فعالیت‌ها و چه در بین افراد، محفل روحانی به آن رسیدگی خواهد نمود، محفلی که آن‌چنان اعتماد کامل اعضای جامعه را به خود جلب نموده که همه طبعاً برای طلب کمک به آن روی می‌آورند. این بدان معنا است که محفل به تجربه آموخته است چگونه به احباً کمک کند تا از روش‌های تفرقه‌افکن یک ذهنیت جانب‌گرا احتراز کنند، چگونه بذراتحاد را حتی در دشوارترین و نامساعدترین شرایط بیابد و آن را تدریجاً و با محبت پرورش دهد و در تمام اوقات به حبل عدالت متمسک باشد.

(۲۴) با افزایش تعداد اعضای جامعه و ازدیاد توان‌مندی برای حفظ تحرک و نشاط، همان‌گونه که در گذشته اشاره نمودیم، احباً بیش از پیش به مشارکت در حیات عمومی اجتماع جلب خواهند شد و با این وظیفه مهم رو به رو خواهند گشت که به کمک رویکردهایی که ابداع کرده‌اند در حلّ مسائل پدیده و وسیعی که دهکده‌شان با آن مواجه است شرکت نمایند. مسئله انسجام که برای رشدی که تا کنون حاصل شده این چنین ضروری بوده و برای چارچوب عمل در حال تکامل نقشه نیز بسیار مهم است، حال ابعاد جدیدی پیدا می‌کند. محفل روحانی محلی نه در مقام مجری پروژه بلکه در مقام یک مرجع اخلاقی باید مراقب باشد که هم‌چنان که احباً می‌کوشند تا با به کارگرفتن تعالیم بهائی و از طریق فرایند عمل، تأمل و مشورت به اصلاح شرایط بپردازند، لطمه‌ای بر یک پارچگی مساعی‌شان وارد نشود.

(۲۵) پیام رضوان سال ۲۰۱۰ بعضی از خصوصیات اقدام اجتماعی در سطح مردمی و شرایطی را که باید دارا باشد توصیف نموده است. مجهودات در یک دهکده معمولاً در مقیاس محدود و شاید از طرف گروه‌های

کوچک از دوستانی آغاز می‌گردد که هر یک نیاز اجتماعی یا اقتصادی خاصی را شناسایی کرده و اقدامات مناسب ساده‌ای را دنبال می‌کنند. مشورت در ضیافات نوزده‌روزه فضای مناسبی به وجود می‌آورد تا آگاهی فزاینده اجتماعی جامعه به طریقی سازنده جلوه نماید. صرف نظر از ماهیت فعالیت‌ها، محفل محلی باید مراقب خطرهای بالقوه باشد و در صورت لزوم به احباً کمک نماید که از آنها بگذرند از جمله: فریب پروژه‌های بلندپروازانه که انرژی زیادی را مصرف خواهد کرد و سرانجام حاصلی نخواهد داشت، وسوسه کمک‌های مالی که مستلزم دوری جستن از اصول بهائی خواهد بود، امکانات استفاده از تکنولوژی که به طور فریبنده عرضه می‌شود ولی می‌تواند دهکده را از میراث فرهنگی اش محروم سازد و به چندپارچگی و اختلاف سوق دهد. استحکام فرایند مؤسسه آموزشی در دهکده و افزایش توانمندی‌هایی که در افراد پرورش داده است در نهایت ممکن است دوستان را قادر سازد که از روش‌ها و برنامه‌هایی که توسط یکی از سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی به وجود آمده و کارآیی آنها به تجربه ثابت شده و در محدوده جغرافیایی به پیشنهاد و با حمایت دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی به اجرا در آمده است بهره‌گیرند. به علاوه محفل باید پیامزد که با سازمان‌های اجتماعی و سیاسی محلی تعامل نماید و به تدریج آگاهی نسبت به حضور امر و تأثیری را که بر پیشرفت دهکده می‌گذارد افزایش دهد.

(۲۶) آنچه تشریح شد نمونه‌ای از خصوصیات است که محافل روحانی محلی در بسیاری از دهکده‌های جهان به تدریج کسب خواهند نمود و به برآوردن نیازهای جوامعی که رشد کمی روزافزونی دارند کمک خواهند کرد. با ظهور تدریجی قابلیت‌ها و اختیارات نهفته در این محافل، ساکنان هر دهکده اعضای آن را "امناء الرحمن بین الامکان" مشاهده خواهند نمود. بدین سان این محافل "سرج نورانیة و حدایق ملکوتیة" خواهند شد و "ینتشر منها نفحات القدس علی الآفاق و یشرق منها انوار العرفان علی الامکان و یسری منها روح الحیة علی کلّ الجهات".

(۲۷) یک چنین بینش رفیعی البتّه در مورد محافل روحانی محلی در سراسر جهان نیز صادق است. ماهیت تکامل یک محفل حتی در یک شهر بزرگ اساساً به همین نحو می‌باشد. تفاوت‌ها اصولاً در وسعت و تنوع جمعیت است. مورد اول یعنی تفاوت در وسعت ایجاب می‌کند که ناحیه تحت اشراف محفل به اقتضای احتیاجات رشد به چند محله تقسیم شود و در هر یک به تدریج مکانیزم‌هایی برای رسیدگی به امور امری فراهم گردد. مورد دوم یعنی تنوع جمعیت مستلزم آن است که محفل علاوه بر فضای جغرافیایی با فضاهای اجتماعی بی‌شماری که در آن بخش‌هایی از جمعیت گردهم می‌آیند آشنا گردد و تا حدّ امکان حکمت‌های نهفته در تعالیم را به آنها ارائه دهد. مضافاً، سازمان‌ها و ساختارهای اجتماعی، سیاسی و یا فرهنگی موجود در یک شهر بزرگ که محفل باید کیفیت تماس با آنها را پیامزد از نظر تنوع بسیار وسیع تر و از نظر تعداد به مراتب بیشتر از مناطق روستایی است.

خدمت در مؤسّسات بهائی

(۲۸) با تشریح پیشرفت‌هایی که مایلیم در طیّ نقشه پنج‌ساله بعدی در امور اداری امری مشاهده کنیم، هشدارهای مکرر حضرت ولیّ امرالله را به خاطر می‌آوریم که در توقیعی به زبان انگلیسی می‌فرمایند: "باید مراقب باشیم که مبدا با توجه بیش از حدّ به اِکمال تشکیلات اداری امری، مقصد الهی از ایجاد آن را از نظر دور داریم". هیکل مبارک به طور مکرر فرموده‌اند که سیستم اداری بهائی "بایستی به منزله یک وسیله منظور شود و نه اینکه خود به یک هدف "تبدیل گردد و به وضوح می‌فرمایند که منظور نظم اداری خدمت به "مقاصد دوگانه" است. از یک سو "باید ترویج مستمرّ و تدریجی "امرالله را" از طریق وسیع، صحیح و جامع هدف قرار دهد" و از سوی دیگر "باید تحکیم درونی توفیقات حاصله را موجب گردد". در ادامه می‌فرمایند که "تشکیلات اداری بهائی باید موجب شود که از طریق آن قوای پویای نهفته در امر الهی ظاهر و متبلور گردد و حیات و رفتار انسان‌ها را شکل دهد و هم به منزله واسطه‌ای برای تبادل افکار و هماهنگی فعالیت‌ها در بین عناصر متنوعی که جامعه بهائی را تشکیل می‌دهند عمل نماید".

(۲۹) امید و طید این جمع آن است که شما عزیزان در طیّ نقشه بعدی در مساعی خود برای توسعه صحیح و متوازن امور اداری امرالله در تمام سطوح، از محلی تا ملی، نهایت کوشش خود را به کار برید و به احبّا کمک نمایید تا وظایف خود را در بستر فرایند رشد جامعه که به نحوی ارگانیک در سراسر عالم در حال شتاب گرفتن است ایفا نمایند. تحقق این امید به میزان زیادی بستگی به آن خواهد داشت که کسانی که به انجام چنین خدماتی دعوت شده‌اند -چه به عضویت محفل روحانی انتخاب گردیده یا به عضویت یکی از دوائر آن منتصب شده باشند، خواه به سمت هماهنگ‌کننده یک مؤسسه آموزشی برگزیده شده و یا به معاونت شما منصوب شده باشند - تا چه حدّ تشخیص دهند که این انتخاب یا انتصاب افتخار بزرگی است که نصیب آنان شده است و حدّ و مرزهایی را که این موهبت برایشان تعیین می‌نماید بشناسند.

(۳۰) خدمت در مؤسّسات و دوائر امری براساس موهبتی بس عظیم است ولی نه موهبتی که افراد به دنبال کسب آن باشند بلکه وظیفه و مسئولیتی است که یک فرد ممکن است در هر مقطع زمانی به انجامش دعوت شود. کلیه کسانی که در میادین اداری بهائی به خدمت مشغولند البته این احساس را خواهند داشت که افتخار بی‌ظییری شامل حال‌شان شده است زیرا که به نحوی از انحا جزئی از اجزای ساختاری هستند که به منظور سریان روح امرالله در عالم طرح‌ریزی شده است. اما این افراد نباید تصوّر نمایند که چنین خدمتی این حق را به آنان می‌دهد که در حاشیه فرایند یادگیری که همه جا در حال قوت گرفتن است فعالیت نمایند و از انجام مستلزمات طبیعی آن معاف باشند. هم‌چنین نباید گمان رود که عضویت در هیئت‌های اداری فرصتی فراهم می‌سازد که فرد با استفاده از آن بتواند استنباط شخصی خود را از مفاد آثار مقدّسه و از نحوه اجرای تعالیم ترویج نماید و جامعه را در جهت اولویّت‌های شخصی خود سوق دهد. حضرت ولیّ امرالله در یکی از توقیعات مبارک به زبان انگلیسی با

اشاره به اعضای محافل روحانی می‌فرمایند که "باید به کلی خواسته‌ها و امیال خود و علایق و تمایلات شخصی خویش را نادیده گرفته فکر خود را حصر در اموری نمایند که خیر و صلاح جامعه بهائی را در بردارد و مصالح عمومی را ترویج می‌نماید". مؤسّسات بهائی اختیارات لازم برای هدایت احبّاً و تأثیرگذاری اخلاقی، روحانی و عقلانی در زندگی افراد و جوامع را دارند. اما این وظایف می‌بایستی با علم به این نکته انجام شود که خصلت بنیادین هویت تشکیلاتی بهائی همانا روح خدمت صمیمانه است. یک چنین برداشتی از اختیار و تأثیرگذاری ایجاب می‌کند که کسانی که اداره امور امرالله به آنان واگذار شده از خود فداکاری نشان دهند. مگر نه این است که حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند...: "آهنی که در کوره آتش افتد صفات حدیدی که سیاهی و برودت و جمودت است و ناسوتیست مخفی و نابود گردد فضایل آتش که احمرار و ذوبان و حرارتست و ملکوتیست در آهن ظاهر و باهر شود". مولای خون هم چنین می‌فرمایند...: "شما باید در این مورد یعنی خدمت به عالم انسانی جانفشانی کنید و به جانفشانی شادمانی و کامرانی نمایید".

*

(۳۱) دوستان عزیز و محبوب: همان طور که به خوبی می‌دانید قلوب این مشتاقان غرق در سرور است که شما و اعضای هیئت‌های معاونت با چنین توانایی در پیشاپیش میادین تبلیغ به خدمت مشغولید و وظایف مقدّسه خویش را مجری می‌دارید تا نار موقده محبت الله را در افنده و قلوب مشتعل ساخته یادگیری را ترویج نمایید و همه را در تلاش برای اتّصاف به اخلاق نیک و شایسته مدد دهید. هنگامی که جامعه بهائی امریکای شمالی در انجام مسئولیت‌هایی که در الواح نقشه ملکوتی به آن تفویض شده بود اجرای اولین نقشه هفت‌ساله خود را آغاز نمود حضرت ولیّ عزیز امرالله بیانیه‌ای مفصّل و مهیمن مورّخ ۲۵ دسامبر ۱۹۳۸ به زبان انگلیسی خطاب به احبّای آن سامان صادر فرمودند که بعداً تحت عنوان *ظهور عدل الهی* منتشر گردید. این توجیه منیع ضمن تشریح ماهیت وظایف دوستان، به آنچه هیکل مبارک آن را شرایط روحانی جهت موقّیّت در همه اقدامات بهائی توصیف می‌فرمایند، اشاره می‌نماید. هیکل انور می‌فرمایند که سه شرط از این شرایط "در رتبه اولی و درجه‌ای از اهمیت قرار دارد": "حسن رفتار، تمسّک به ذیل عفت و عصمت در حیات فردی و آزادی از قیود تعصّبات. با توجه به اوضاع امروز جهان شایسته است که در باره ملاحظات حضرت ولیّ امرالله و مقتضیات آن در ارتباط با مساعی جهانی جامعه بهائی جهت القای روح امر الهی در هر یک از محدوده‌های جغرافیایی تأمل و تفکر فرمایید.

(۳۲) حضرت ولیّ امرالله با اشاره به حسن رفتار از "عدالت، بی‌طرفی، صداقت، درست‌کاری، انصاف، قابل اعتماد بودن، و امانت" نام می‌برند که می‌باید "در همه شئون و احوال ما به الامتياز حیات جامعه بهائی باشد" و تأکید می‌فرمایند که هر چند این ضروریات مربوط به همه اعضای جامعه است اما در درجه اول متوجّه "نمایندگان منتخب ایشان اعم از محلی و منطقه‌ای و ملی" می‌باشد، نمایندگان که علو اخلاقیشان باید با "اثرات مخرب و مایوس‌کننده‌ای که بازتابی چشم‌گیر از یک حیات سیاسی پوسیده است"، در تضاد آشکار باشد. هیکل مبارک

خواهان "تمسّکی دائم و خلل ناپذیر به جبل عدالت" در "جهانی که به نحو غریبی آشفته و بی نظم" است می باشند و با نقل قول مکرر از آثار مبارکه جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء توجّه احبّاً را به موازین عالی صداقت و امانت جلب می فرمایند. از احبّاً می خواهند که در همه جنبه های حیات خود - در معاملات تجاری، در حیات خانواده، در کلیّه مشاغل، در همه خدمات امری و خدمت به مردم - به حسن رفتار مزین باشند و با پیروی قاطع از احکام و اصول امر مبارک الزامات آن را رعایت نمایند. حیات سیاسی در سال های بعد از صدور این بیان مبارک به وضوح در همه جا به نحو وحشتناکی رو به زوال بوده چنانچه مفهوم سیاست مداری عاری از معنا شده، سیاست گذاری به اسم ترقّی و پیشرفت در خدمت منافع اقتصادی عدّه معدودی درآمده و اجازه داده شده است که تزویر و ریا موجب تضعیف کارساختارهای اجتماعی و اقتصادی گردد. اگر در آن زمان رعایت موازین عالی بهائی توسط احبّاً مستلزم سعی و کوشش بسیار بود امروزه در جهانی که تقلّب را ارج می نهد، فساد را تشویق می کند و حقیقت را کالایی قابل معامله می داند، چقدر باید این تلاش شدیدتر باشد. پریشانی و اغتشاشی که بنیان اجتماع را تهدید می کند بس عظیم است و اراده همه کسانی که به فعالیت های امری مشغولند باید آن چنان محکم و قوی باشد که مبادا کوچک ترین شائبه منافع شخصی بر قضاوت شان سایه افکند. سزاوار است که هماهنگ کنندگان هر مؤسسه آموزشی، اعضای هر لجنه تبلیغ ناحیه ای، هر یک از اعضای هیئت معاونت و فرد مساعدين شان و تمام اعضای هر نهاد امری محلی، منطقه ای و ملی، اعم از انتخابی و انتصابی، اهمّیت نصایح حضرت ولیّ عزیز امرالله را درک نمایند و در قلب خود در باره مقتضیات شایستگی اخلاقی که هیکل مبارک با چنان صراحتی تشریح فرموده اند تأمل و تعمق نمایند تا سلوک و رفتارشان برای بشر خسته و مبتلا، یادآوری از شرافت ذاتی و سرنوشت عظیمی که در انتظار اوست باشد.

(۳۳) بیانات صریح حضرت ولیّ امرالله در باره اهمّیت عفت و عصمت در حیات فردی و "مقتضیات آن از میانه روی، پاک دامنی، خویشتن داری، نجابت و پاک اندیشی" امروز نیز به همان اندازه برای موفقیت مشروعات بهائی لازم است. هیکل مبارک با لحنی واضح احبّاً را به حیاتی پاک و طاهر فرا می خوانند، حیاتی منزّه از "اعمال نادرست، فسق و فجور و شئون و موازین کاذبه ای که یک معیار ذاتاً نارسای اخلاقی آن را تأیید، تقویت و تشدید می نماید". نیازی نیست که در این صفحات شواهدی از تأثیراتی که این ضوابط منحط هم اکنون بر جامعه بشری اعمال می کند و حتّی دورافتاده ترین نقاط کره ارض فریفته و مسحور آن است ارائه دهیم ولی لازم می دانیم که به چند نکته راجع به مسئله خلوص و پاکی اشاره نماییم. قوای مخرب و اثرگذار بر قلوب و اذهان جوانان - کسانی که حضرت ولیّ امرالله مشتاقانه آنان را مخاطب قرار داده اند - براستی مهلک و خطرناک است. پند و اندرز در رعایت پاکی و عصمت تنها به میزان محدودی می تواند به آنان کمک کند تا در مقابل این قوا مقاومت نمایند. نکته ای که باید به آن توجّه داشت این است که افکار جوانان تا چه حدّ تحت تأثیر گزینه هایی است که والدین در زندگی خود اتخاذ می کنند، گزینه هایی که هرچند غیر عمدی و معصومانه، امیال دنیوی را مانند ستایش

قدرت، پرستش مقام و منزلت، عشق به تجملات، دل بستگی به امور سطحی و بیهوده، ستودن خشونت و اعتیاد به لذت جویی را به طور ضمنی قبول می نماید. این واقعیت را باید قبول کرد که انزوا، یأس و ناامیدی که بسیاری از آن رنج می برند زائیده محیطی است که ماده گرایی فراگیری بر آن حاکم باشد. و در این راستا است که احباً باید عواقب این بیان حضرت بهاء الله را درک نمایند که می فرمایند "بساط عالم" باید "جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد". جوانان امروز در سراسر عالم جزو پرشورترین حامیان نقشه و غیورترین قهرمانان امر الهی می باشند و مطمئناً تعدادشان سال به سال افزایش خواهد یافت. انشاء الله که هر یک از آنان مواهب یک زندگی مزین به پاکی و تقوا را تجربه نمایند و بیاموزند تا از قوایی مدد گیرند که در مجاری پاک جریان می یابد.

(۳۴) حضرت ولی امر الله سپس به موضوع تعصب پرداخته به وضوح می فرمایند که "هرگونه افتراق و انشقاق" در صف پیروان امر مبارک "مغایر با مقاصد و اصول و آمال این آیین نازنین است". آن حضرت کاملاً روشن می سازند که احباً باید مظاهر "آزادی کامل از قید تعصبات در رفتار با مردم از نژادها، طبقات، عقاید و الوان گوناگون" باشند. آنگاه مفصلاً به بحث در مورد مسئله خاص تعصب نژادی که "اثرات فرساینده اش" به فرموده مبارک، "تار و پود جامعه امریکا را تحت تأثیر و تمامی ساختار اجتماعی آن را مورد حمله قرار داده است" می پردازند و در آن زمان می فرمایند که این مسئله "باید حیاتی ترین و خطرناکترین مسئله ای تلقی گردد که جامعه بهائی در مرحله کنونی تکامل خود با آن مواجه است". قطع نظر از قوت و ضعف تدابیری که در رویارویی با این چالش خاص توسط ملت امریکا و جامعه بهائی در حال تکامل آن اتخاذ گردیده، واقعیت این است که تعصبات از هر قسم و نوع - نژادی، طبقاتی، قومی، جنسی و مذهبی - هم چنان بر جامعه بشری سیطره دارد. اگرچه البته گام های بزرگی در عرصه گفتمان عمومی در ردّ آکاذیبی که موجب بروز انواع تعصب می گردد برداشته شده است ولی تعصبات هنوز در ساختارهای اجتماع رخنه دارد و به طور سیستماتیک بر افراد اثر می گذارد. بر همه باید روشن باشد که هدف فرایندی که سلسله نقشه های جهانی کنونی آن را به پیش می برد این است که با رویکردهایی که دنبال می کند و روش هایی که به کار می برد در مردم جهان از هر گروهی، بدون توجه به طبقه یا پیشینه مذهبی و بدون در نظر گرفتن قوم یا نژاد و صرف نظر از جنسیت یا موقعیت اجتماعی، قابلیت ایجاد نماید تا به پا خیزند و به پیشبرد تمدن بشری کمک نمایند. دعای این مشتاقان آن است که هم چنان که این فرایند مستمراً بسط می یابد امکانات بالقوه اش برای ناتوان ساختن ابزاری که نوع بشر در طی دوران طولانی طفولیت خود برای ظلم و ستم یک گروه علیه گروهی دیگر تعبیه نموده تحقق یابد.

(۳۵) فرایند تعلیم و تربیت مؤسسات آموزشی البته به پرورش آن شرایط روحانی که حضرت ولی امر الله در توفیق ظهور عدل الهی به آن اشاره فرموده اند و نیز بسیاری از شرایط دیگری که در آثار امری مذکور است کمک می نماید، شرایطی که بایستی حیات جامعه بهائی را ممتاز سازد از جمله: روح اتحاد که باید حیات بخش احباً باشد، پیوندهای عشق و محبت که باید هم بستگی آنان را موجب شود، ثبوت در عهد و میثاق که باید حامی و

پشتیبان آنان باشد و توکل و اعتمادی که باید به تأییدات الهی داشته باشند. قابل توجه خاص است که این صفات ضروری در چارچوب ایجاد توانمندی برای خدمت و در محیطی پرورش می‌یابد که اقدام سیستماتیک را ترویج می‌نماید. برای ایجاد و گسترش چنین محیطی اعضای هیئت معاونت و مساعدین‌شان باید به اهمیت دو قاعده اساسی و مرتبط آگاه باشند. از یک طرف، موازن عالی اخلاقی که این ظهور اعظم تعیین فرموده هیچ‌گونه مصالحه و تبانی را نمی‌پذیرد، به هیچ وجه نمی‌توان آن را تقلیل داد و همگی باید به علو و عظمت آن چشم‌دوزند. از طرف دیگر، باید اذعان نمود که ما در رتبه انسانی با داشتن یک زندگی بدون عیب و نقص فاصله زیادی داریم و آنچه که از هر فرد انتظار می‌رود تلاش صادقانه روزانه است. از خود راضی بودن صفتی است که باید از آن احتراز نمود.

*

(۳۶) به غیر از مستلزمات روحانی یک زندگی منزّه بهائی، عادت به شیوه‌هایی از تفکر نیز در بسط نقشه‌های جهانی مؤثر است. این عادات باید پرورش و گسترش یابد تا جزئی از فرهنگ جامعه گردد. گرایش‌هایی نیز وجود دارد که به تدریج باید بر آنها غلبه نمود. بسیاری از این گرایش‌ها تحت تأثیر رویکردهای رایج در اجتماع تقویت می‌گردد و راه‌یابی آن به فعالیت‌های بهائی نیز خارج از تصور نیست. ابعاد و وسعت چالشی که یاران حضرت رحمان در این مورد با آن روبه‌رو هستند از نظر این مشتاقان پنهان نیست زیرا باید بیش از پیش در حیات اجتماع مشارکت نمایند، از برنامه‌های آموزشی آن بهره‌گیرند، در امور حرفه‌ای و تجاری آن به حد کمال رسند، بیاموزند که ابزار آن را به خوبی به کار گیرند و در پیشبرد علم و هنر آن کوشا باشند و در عین حال هرگز از هدف امر الهی یعنی ایجاد تقلیب روحانی در جامعه و تجدید ماهیت نهادها و فرایندهای آن به مقیاسی بی‌سابقه غافل نگردند. برای نیل به این هدف، احببای عزیز باید از نارسایی شیوه‌های رایج کنونی در تفکر و در انجام امور کاملاً آگاه باشند و این آگاهی نباید به هیچ وجه موجب احساس خود برتری، بی‌تفاوتی، کناره‌گیری و یا اتخاذ موضع انتقادی مفرط نسبت به اجتماع گردد. چند نکته مخصوص راجع به این عادات و گرایش‌ها را مایلیم بیان نماییم.

(۳۷) اطلاع از اینکه دوستان عزیز مطالعه پیام‌های بیت العدل اعظم راجع به نقشه را با چنان سعی و دقت فراوانی دنبال می‌کنند موجب مسرت قلبی است. میزان مذاکرات و تبادل نظرهای معمول برای به مرحله عمل درآوردن هدایات مندرج در آن و یادگیری از تجارب، چشم‌گیر است. اما این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که در مناطقی که احبب می‌کوشند تا تمامیت بینش و مقاصد ارائه شده را درک نمایند موفقیت‌ها پایدارتر است ولی هنگامی که عبارات و جملات خارج از بستر خود به صورت مطالب جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شود غالباً مشکلاتی بروز می‌نماید. مؤسسات و نهادهای امری باید به احبب کمک نمایند تا مطالب را تجزیه و تحلیل کنند ولی تقلیل ندهند، در مفاهیم تأمل نمایند ولی بر نفس کلمات پافشاری نکنند، لزوم اقدامات در زمینه‌های مختلف را قبول نمایند ولی از تقسیم‌بندی و انفکاک اقدامات بپرهیزند. ما واقفیم که این وظیفه کوچکی نیست. اجتماع

روز به روز بیشتر با استفاده از شعار سخن می‌گوید. امیدواریم که عادت کار کردن با افکار کلی و پیچیده و کسب آگاهی که دوستان در حلقه‌های مطالعه به آن خو می‌گیرند به فعالیت‌های گوناگون تعمیم یابد.

(۳۸) گرایش به دوگانه‌بینی با عادت تقلیل دادن یک موضوع کلی به یک یا دو عبارت جالب و جذاب، ارتباط نزدیکی دارد. بسیار اساسی است که نظریاتی را که هر یک جزئی از یک مجموعه مفاهیم منسجم است در تضاد با یکدیگر قرار ندهیم. حضرت ولی‌امرالله در نامه‌ای که از طرف ایشان به انگلیسی مرقوم شده هشدار می‌دهند که: "ما باید تعالیم را یک کلیت عظیم و متوازن بدانیم و سعی نکنیم که دو بیان محکم با معانی مختلف را جستجو و ضد هم دیگر جلوه دهیم. پیوندهایی در میان این دو وجود دارد که آنها را به یکدیگر متصل می‌سازد." ملاحظه اینکه با افزایش درک تمهیدات و نیازهای نقشه بسیاری از سوء تفاهمات گذشته برطرف شده موجب دل‌گرمی این جمع گردیده است. ارتباط متوازن بین عناصر حیات بهائی از قبیل ترویج و تحکیم، اقدامات فردی و فعالیت‌های جمعی، تهذیب اخلاق و تعهد به خدمت خالصانه اکنون به آسانی مورد قبول است. هم‌چنین خوشنودیم که احباً مراقبند مبدا دوگانگی‌های کاذب تازه‌ای بر افکارشان مسلط گردد زیرا به خوبی آگاهند که عناصر متنوع یک برنامه رشد مکمل یکدیگر هستند. جامعه بهائی از این تضادگرایی متداول در اجتماع اجتناب می‌ورزد، گرایشی که فعالیت‌های مختلف را در رقابت می‌بیند و نهادهایی که آن فعالیت‌ها را حمایت می‌کنند نیز رقیب یکدیگر مشاهده می‌نماید.

(۳۹) و بالاخره یک پیشرفت در فرهنگ جامعه که با علاقه خاص آن را دنبال کرده‌ایم افزایش توانمندی در راه فراینداندیشی می‌باشد. از مطالعه دقیق حتی نخستین مکاتبات حضرت ولی‌امرالله در باره اولین نقشه‌های ملی امرالله روشن می‌گردد که از ابتدا به احباً توصیه شده است که همواره از فرایندهای وسیعی که وظایف آنان را توصیف می‌کند آگاه باشند. اما در دنیایی که بیش از پیش به ترویج رویدادها و یا نهایتاً به ترویج پروژه‌ها توجه می‌نماید و ذهنیتی دارد که از توقعات و هیجانات حاصله از آن رضایت خاطر حاصل می‌کند، حفظ تعهد به اقدامات درازمدت مستلزم تلاش زیادی است. ترویج و تحکیم جامعه بهائی شامل تعدادی فرایندهای متعامل است که هر یک سهم خود را در پیشرفت نوع بشر به سوی بینش حضرت بهاءالله در مورد یک نظم بدیع جهانی ادا می‌نماید. خطوط عمل مربوط به هر یک از این فرایندها، فرصت‌هایی برای برگزاری رویدادهای گاه به گاه به وجود می‌آورد و بعضی اوقات، فعالیت‌ها در قالب یک پروژه با آغاز و پایان مشخص انجام می‌شود. اما اگر رویدادهایی به بسط طبیعی یک فرایند تحمیل گردد پیشرفت و تکامل استوار آن را برهم خواهد زد و اگر پروژه‌های در دست اجرا در یک محدوده جغرافیایی تابع نیازهای آشکار فرایندهای محل نباشد ثمرات چندانی به بار نخواهد آورد.

(۴۰) درک ماهیت فرایندهای متعاملی که جمعاً ترویج و تحکیم امرالله را موجب می‌گردند برای اجرای موفقیت‌آمیز نقشه امری حیاتی است. به شما و اعضای هیئت معاونت توصیه می‌شود که در تلاش خود برای

پیشبرد چنین درکی، مفهومی را که در شالوده مشروع جهانی جاری و در واقع در قلب هر مرحله از مراحل نقشه ملکوتی قرار دارد در نظر داشته باشید و آن مفهوم این است که پیشرفت از طریق توسعه سه شرکت کننده نقشه - افراد، مؤسسات و جامعه - حاصل می شود. در سراسر تاریخ بشر، تعامل بین این سه عامل همیشه با مشکلات همراه بوده است. فرد فغان آزادی خواهی به پا می کند، مؤسسات خواستار فرمان برداری هستند و جامعه مدعی اولویت می باشد. هر اجتماعی روابط پیوند دهنده این سه عامل را به نوعی تعیین نموده و دوره هایی از ثبات و آشوب داشته است. امروزه در این عصر انتقال در حالی که بشریت در تلاش برای رسیدن به بلوغ جمعی خود می باشد، نه تنها این روابط، بلکه مفهوم فرد، مفهوم مؤسسات اجتماعی و مفهوم جامعه در معرض هجوم بحران های بی شمار است. بحران مرجعیت در سراسر جهان، خود دلیل کافی بر این ادعا است. سوء استفاده از قدرت مرجعیت آن چنان دردناک و بیزاری و سوء ظن حاصله در حال حاضر آن چنان عمیق است که جهان روز به روز بیشتر لگام گسیخته و غیر قابل اداره می گردد، وضعی که سست شدن پیوندها در سطح جامعه آن را بسیار وخیم تر نموده است.

(۴۱) پیروان اسم اعظم همگی به خوبی می دانند که منظور از این ظهور اعظم ایجاد یک خلق جدید است... "اول کلمه خرجت من فمه و اول نداء ارتفع منه بمشیتک و ارادتک انقلبت الأشياء كلها و السماء وما فيها و الأرض و من عليها".... افراد، مؤسسات و جامعه، سه شرکت کننده نقشه ملکوتی، تحت تأثیر مستقیم قوای خلاقه ظهور حضرت بهاء الله در حال تقلیب هستند و مفهومی جدید از هر یک، متناسب با نیاز بشری که به مرحله بلوغ خود نزدیک می شود، در حال بروز است. روابطی که این سه شرکت کننده را به هم پیوند می دهد نیز در حال تحوّل عمیق می باشد و قوای تمدن سازی به عرصه وجود می آید که تنها با پیروی از تعالیم مبارک ایجاد می شود. خصایص مشخصه این روابط، همکاری و وابستگی متقابل که نمایان گر هم بستگی همه جانبه حاکم بر عالم خلقت است می باشد. به این ترتیب فرد بدون توجه به "منافع ذاتیه و فوائد شخصیّه"، خود را "چون افراد بندگان غنی مطلق" می شمرد و تنها آرزویش اجرای احکام او است. به این ترتیب احبای عزیز درمی یابند که "عواطف و احساسات فراوان و حسن نیت و کوشش بسیار" اگر در مجاری صحیح جریان نیابد، فواید محدودی خواهد داشت، "آزادی بی قید و بند فردی باید با مشورت دوطرفه و فداکاری تعدیل گردد، و روحیه ابتکار و عمل باید با درکی عمیق تر از ضرورت هماهنگی اقدامات و تعهدی کامل تر نسبت به خیر و مصلحت عموم، تقویت گردد". و بدین ترتیب همگی می توانند میادین فعالیتی را که فرد می تواند از آن طریق به بهترین وجه ابتکار شخصی خود را نشان دهد از کارهایی که فقط مربوط به مؤسسات امری است به آسانی تشخیص دهند. همان طور که حضرت عبدالبهاء می فرماید احباً "به جان و دل" اوامر مؤسسات شان را اطاعت می کنند تا "امور انتظام یابد و ترتیبی حاصل کند". البته این اطاعت، کورکورانه نیست بلکه اطاعتی است که حاکی از ظهور بلوغ نوع

انسان است، انسانی که به مقتضیات یک نظام به وسعت و عظمت نظم بدیع جهانی حضرت بهاء الله پی برده است .

(۴۲) و کسانی که از بین این چنین نفوس مشتعلی برای خدمت در مؤسّسات آن نظم عظیم دعوت می شوند به خوبی بیانات حضرت ولیّ امرالله را درک می کنند که می فرمایند: "وظیفه اعضای محافل فرمان دادن نیست بلکه مشورت است، مشورت نه تنها در بین خودشان بلکه تا حدّ امکان با احبّایی که نمایندگی آنها را بر عهده دارند". آنان "هرگز" نباید چنین "گمان کنند که زینت اصلی پیکر امر الهی هستند و از نظر توانایی و شایستگی ذاتاً بر دیگران برتری دارند و یا تنها مروجین تعلیم و اصول این امر اعظم می باشند". "در نهایت تواضع" به وظایف خود پردازند و "با سعه صدر، حسّ عدالت و انجام وظیفه، خلوص، افتادگی، پای بندی کامل به رفاه و منافع احبّاً و امر الهی و بشریت بکوشند تا نه تنها شایسته اطمینان و حمایت و احترام، بلکه تحسین و محبّت واقعی کسانی گردند که افتخار خدمت به آنان را دارند". "در چنین جوّی، مؤسّساتی که به آنها قدرت و اختیارات اعطا شده خود را ابزاری برای پرورش استعدادهای مکنون بشری و شکوفایی این استعدادها در مسیری خلاق و شایسته می شمردند .

(۴۳) جامعه اسم اعظم، متشکل از چنین افراد و چنین مؤسّساتی، عرصه ای آن چنان مشحون از گرایش های روحانی می گردد که در آن قوا از طریق وحدت در عمل به چندین برابر فزونی می یابد . در باره این چنین جامعه ای است که حضرت عبدالبهاء می فرمایند: "اگر نفوسی مؤمن حقیقی شوند ارتباط روحانی یابند و مظهر محبّت رحمانی گردند و کل سرمست جام محبّت الله شوند البتّه آن اتّحاد و ارتباط نیز ابدیست . یعنی نفوسی که از خود بگذرند و از نقایص عالم بشری تجرّد یابند و از قیود ناسوتی منصرف گردند البتّه پرتوانوار وحدت الهی بتابد و جمیع در عالم ابدی وحدت حقیقی یابند ."

(۴۴) با اقبال تعداد روزافزونی از نفوس مستعدّه به امر الهی و پیوستن آنان به دیگر خادمین و شرکت کنندگان مشروع جهانی جاری، فعالیت ها و تکامل افراد، مؤسّسات و جامعه مطمئناً با جهشی چشم گیر به پیش خواهد رفت . امید چنان است که در روابطی که پیروان اسم اعظم در بین این سه عامل پرورش و گسترش می دهند، بشر سرگردان الگویی برای حیات جمعی بیابد که او را به سوی سرنوشت متعالی خود سوق دهد . در اعتبار مقدّسه علیا برای تحقّق این امید صمیمانه دعا می کنیم .

[امضا: بیت العدل اعظم]

ترجمه ای از پیام بیت العدل اعظم الهی

خطاب به بهائیان جهان

(ز:مرکز جهانی بهائی)

1 ژانویه 2011

دوستان عزیز و محبوب

(۱) در پنج روز گذشته مشاورین قاره ای در کنفرانس خود در ارض اقدس با بصیرت و بینشی روشن درباره ی پیشرفت نقشه ی ملکوتی به تامل و تفکر و مشورتی هشیارانه و هدف مند مشغول بوده اند. سرور و اعجاب این گردهم آیی که اکنون به لحظات پایانی خود نزدیک می شود منبعث از بازگویی های شغف انگیز و سرزنده ی اقدامات متعدد و برجسته ی شما خادمان امر جمال اقدس ابهی بود، اقداماتی که به نحوی شگفت آور نیل به اهداف نقشه پنج ساله را یک سال زودتر از موعد مقرر میسر ساخت. شرح محبتی که در این مدت کوتاه نسبت به شما رهروان مسیر خدمت ابراز شده به آسانی در قالب الفاظ ننگنجد. سپاس بی پایان به آستان خداوند منان می گزاریم که چنین جامعه ی قابلی را به ید عتایتش پرورش داده و دست شکرانه به درگاه حضرت بی نیاز بلند می کنیم که استعداد های شگرف آن عزیزان را شکوفا ساخته است. شما باید آن جنود حیات و سپاه نجات که چه در تلاش های جمعی و چه در مساعی فردی، حقایق این امر اعظم را به عالمیان عرضه می نمایید و نفوس را در راه رسیدن به سرچشمه عرفان جمال اقدس ابهی یاری می دهید. شما باید آن فارسان مضممار وفا که ده ها هزار نفر از شما در مقام راهنمایان حلقه های مطالعه، هر کجا شعله ی استعداد و آمادگی بدرخشد به خدمت مشغولید. شما باید آن منجذبان جمال کبریا که با از خودگذشتگی به تعلیم و تربیت روحانی کودکان و دوستی مشفقانه با نوجوانان می پردازید. شما باید آن نسائم روح بخش که با دیدار در منازل دیگران و دعوت افراد به منازل خود پیوند های روحانی را مستحکم ساخته همبستگی و انسجام بیشتر جامعه را موجب می شوید. شما باید آن مظاهر صدق و صفا که هرگاه به خدمت در موسسات و نهاد های امری دعوت می شوید دیگران را همراهی می نمایید و از موفقیت های آنان غرق سرور و شادی می شوید. و این همگی ما، جمع اهل بهاء و بندگان درگاه کبریا هستیم که سهم مان در این وظیفه ی روحانی هرچه باشد، با امیدی واثق و عزمی راسخ و قلوبی مبتهل، برای تسریع تقلیب روحانی عالم انسانی که هدف اعلا ی ظهور حضرت بهاء الله است به جد و جهد مشغولیم.

(۲) طلعه ی يك دوره پنج ساله ی جدید سرشار از شگفتی های بدیع هم اکنون نمودار است. خصوصیات نقشه ای که در این رضوان آغاز خواهد شد در پیامی که به کنفرانس مشاورین در جلسه ی افتتاحیه ی آن ابلاغ نمودیم و همان روز به محافل روحانی ملی عالم ارسال گردید ترسیم شده است. امیدواریم که شما عزیزان موفق شوید مندرجات آن را به همراه پیام رضوان 2010 در جلسات مختلف -در سطح ملی، منطقه ای یا محدوده ی جغرافیایی، در جوامع محلی، در محله ها و دهکده ها و یا در منازل -به دقت مطالعه نمایید. اطمینان داریم که با مشارکت در مشورت های مختلف در باره ی نقشه، درك عمیق تری از آن کسب خواهید نمود و با آگاهی از قوای روحانیه ای که حامی و پشتیبان شما است، عزم خود را جزم کرده اجرای این مشروع جهانی را وجهه ی همت خود ساخته مسئولیت شخصی خویش خواهید شمرد و در جهت سعادت عالم انسانی آن گونه تلاش خواهید کرد که در راه رفاه عزیزان خود می کوشید. موجب سرور موفور این مشتاقان است که فوج عظیمی از نفوس در سراسر عالم بهایی آماده اند تا به این چنین موهبتی فائز گردند اما آنچه بیش از این موجب خرسندی این جمع می گردد آن است که به یقین مبین می دانیم که ظرف پنج سال آینده پیروزی هایی به دست جوانان و بزرگسالان، زنان و مردانی حاصل خواهد شد که چه بسا در حال حاضر از ظهور حضرت بهاء الله به کلی بی اطلاعند و از "نیروی اجتماع سازی" امر مبارکش بی خبرند زیرا شما وسیله ای موثر و قدرتمند برای توان دهی روحانی به توده های بشری در اختیار دارید که آنها را قادر می سازد تا زمام سرنوشت خود را در دست گیرند، وسیله ای که در بوته ی تجربه گذاخته شده است. شما عزیزان البته به سلامی مهیمن حضرت بهاء الله نیز واقفید و آن را به گوش دل و جان شنیده اید که می فرمایند: "منم آفتاب بینش و دریای دانش. پژمردگان را تازه نمایم و مردگان را زنده کنم. منم آن روشنایی که راه دیده بنمایم و منم شاهباز دست بی نیاز پر بستگان را بگشایم و پرواز بیاموزم".

در ادعیه ی خود به یاد شما فرد فرد عزیزان هستیم.

[امضا: بیت العدل اعظم]

ترجمه‌ای از پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان جهان

رضوان ۲۰۱۱ میلادی (۱۶۸ بدیع)

(از: مرکز جهانی بهائی)

ستاینندگان اسم اعظم در سراسر عالم ملاحظه فرمایند

دوستان عزیز و محبوب،

(۱) در آغاز این ایام خجسته مشاهده درخشش مجدد قبه ذهبی مقام منیع اعلی، تاج و هاج آن بنای مقدس، دیدگان این مشتاقان را روشن و منور ساخته است. این بنای رفیع البیان بار دیگر با آن تلالؤ ملکوتی که منظور نظر حضرت ولی محبوب امر الله بود روز و شب بر زمین و دریا و آسمان می درخشد و بیانگر عظمت و علو مقام نفس مقدسی است که رمس مطهرش را در آغوش خود ارج می نهد.

(۲) این لحظات پر سرور با اختتام مرحله فرخنده‌ای در پیشرفت نقشه ملکوتی مصادف است. تنها یک دهه به پایان اولین قرن عصر تکوین باقی مانده است، اولین صده‌ای که در ظل ممدود الواح و صایای مبارکه حضرت عبدالبهاء سپری خواهد شد. نقشه پنج‌ساله‌ای که اکنون به پایان رسیده نقشه دیگری را به دنبال دارد که خصوصیات آن موضوع مطالعات گسترده‌ای در سراسر عالم بهائی بوده است. پاسخ احباً به پیام صادره خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای و نیز به پیام رضوان دوازده ماه پیش برآستی موجب رضایت خاطر این جمع است. یاران الهی که به درک و فهم محدود حاصله از یک بار مطالعه قانع نبوده‌اند این پیام‌ها را بارها فرداً و جمعاً، در جلسات رسمی و گردهم‌آیی‌های خودجوش مرور نموده‌اند و بر اثر مشارکت فعال در برنامه‌های رشد که در محدوده‌های جغرافیایی در دست اجرا است به درک غنی‌تری نائل شده‌اند. بدین ترتیب، ظرف چند ماه جامعه بهائی در سراسر جهان آنچه را برای آغاز موفقیت‌آمیز دهه آینده نیاز دارد آگاهانه کسب نموده است.

(۳) در طی همین مدت، موجی از تحولات سیاسی و پریشانی اقتصادی در قارات مختلف، دولت‌ها و ملت‌ها را آشفته ساخته و جوامعی را به آستانه انقلاب و در مواردی به ماورای آن سوق داده است. رهبران دریافته‌اند که برای تضمین امنیت نه ثروت کفایت کند و نه تسلیحات مدد رساند. هر جا که خواسته‌های مردم برآورده نشده خشم عمومی شعله‌ور گشته است. عبرت‌انگیز است بیان مهیمن جمال قدم که حکم‌رانان را در رابطه با مردم خود متنبه ساخته می‌فرمایند: "انهم خزائنکم ایاکم ان تحکموا علیهم بما لا حکم به الله و ایاکم ان تسلّموها بأیدی السّارقین". ولی هر چقدر اشتیاق مردم برای ایجاد تغییر، جذّاب و مسحورکننده باشد باید آگاه بود که قوایی وجود دارد که به خاطر منافع شخصی مسیر وقایع را زیرکانه منحرف می‌سازد. البته مادامی که علاج مفید طیب الهی نادیده گرفته شود رنج و عذاب این عصر هم‌چنان ادامه یافته عمیق‌تر خواهد شد. امروز هر ناظر

دلسوزی بی درنگ فروپاشی شتابنده و نامنظم ولی بی امانِ نظمِ عالم را که شدیداً نارسا و اسفبار است تصدیق می نماید.

(۴) ولی در مقابل این فروپاشی نیروی سازنده‌ای نیز مشهود است که به فرموده حضرت ولی‌امرالله مرتبط با "دیانت نویای حضرت بهاءالله" بوده "مبشرِ نظمِ جهانی و بدیع است که امر بهائی باید آن را نهایتاً تأسیس نماید". اثرات غیر مستقیم این نیروی سازنده را می توان در فوران احساسات به خصوص در میان نسل جوان مشاهده نمود، احساساتی که از اشتیاق به مشارکت در فرایند پیشرفت اجتماعی سرچشمه می گیرد. موهبتی که شامل حال پیروان جمال قدم شده آن است که این اشتیاقی که در سراسر عالم بی وقفه از روح انسانی سرچشمه می گیرد قادر است در مجهوداتی که جامعه بهائی به منظور ایجاد توانمندی جهت اقدام مؤثر در بین مردم متنوع جهان انجام می دهد، جلوه‌ای چنین سازنده داشته باشد. کدام موهبتی است که با این برابری نماید؟

(۵) برای کسب بصیرت در این کار، شایسته چنان است که هر مؤمن مخلص توجه به حضرت عبدالبهاء نماید، شخصیت عظیم الشانی که امسال صدمین سال "اسفار تاریخی" حضرتش را به کشور مصر و جهان غرب گرامی می داریم. آن طلعت نورا به نحوی خستگی ناپذیر در هر فضای اجتماعی - در منازل و نوان خانه‌ها، در کلیساها و کنائس، در پارک‌ها و میادین عمومی، در قطارها و کشتی‌ها، در باشگاه‌ها و انجمن‌ها و در مدارس و دانشگاه‌ها - به ابلاغ و انتشار تعالیم مبارک اقدام نمود و با قاطعیت کامل ولی با شیوه‌ای بی نهایت آرام و متین به دفاع از حقایق پرداخته اصول و مبادی الهیه را بر طبق مقتضیات این عصر تشریح فرمود. آن حضرت بدون ادنی فرق و تمایزی و به مقتضای نیاز افراد، برای همگان - اولیای امور، دانشمندان، کارگران، کودکان، والدین، تبعیدشدگان، فعالان اجتماعی، روحانیون و شگاکسیون - پیک محبت، سرچشمه حکمت و مایه تسلی و راحت بود. هم چنان که قلوب‌شان را به اهتزاز می آورد، فرضیات‌شان را زیر سؤال برده به دیدگاه‌شان جهت جدیدی می بخشید و آگاهی آنان را وسعت داده قوایشان را در مصالح عالم انسانی متمرکز می ساخت. هیکل اطهر قولاً و عملاً، چنان همگان را مورد محبت و شفقت و جود و کرم خود قرار می داد که قلوب به کلی تقلیب می شد و هیچ کس از حضور مبارک محروم بازمی گشت. امید و طید این جمع آن است که در طی این دوران بزرگداشت صدمین سال آن اسفار تاریخی، یادآوری مکرر وقایع حیات بی نظیر آن هیکل بقا روح جدیدی به قلوب ستاینندگان صادق حضرتش بخشد. پس مثل اعلائی مولای حنون را نصب العین خود سازید و آن را در پی گیری اهداف نقشه راهنمای خویش قرار دهید.

(۶) در آغاز اولین نقشه جهانی جامعه بهائی، حضرت ولی‌امرالله با لحنی قاطع مراحل متوالی ظهور انوار الهی را توصیف فرمودند که چگونه در سیاه چال طهران تجلی نمود و سپس در سراج امر الهی در بغداد برافروخت و به کشورهای آسیا و افریقا انتشار یافت و در حالی که با اشراقی اشد در ادرنه و عکا شعله‌ور بود اشعه آن از فراز دریاها به دیگر قارّات عالم رسید و چگونه مآلاً به تدریج در تمامی کشورها و سرزمین‌های جهان فروزان خواهد

گشت .هیكل مبارك قسمت نهایی این فرایند را "نفوذ انوار امر الهی ...در جمیع اقطار باقی مانده کره ارض " توصیف نموده و از آن به عنوان "مرحله ای که در آن تجلیات امر مظفر و منصور الهی در نهایت قدرت و عظمت تمامی کره ارض را اشباع و احاطه خواهد نمود ." یاد فرموده اند .هرچند راه درازی تا تحقق این هدف در پیش است ولی هم اکنون این نور در بسیاری از مناطق عالم به شدت تابان گشته است، در بعضی از کشورها در تمام محدوده های جغرافیایی می درخشد، و در سرزمینی که اولین شعله این نار موقده لایطفی طالع شد علی رغم تلاش در فرونشاندن آن هم چنان می درخشد .در سایر ممالک با اشتعال شمع ایمان به ید قدرت الهی در قلوب مستعدّه افراد یکی بعد از دیگری، این نور قدسی در محله ها و دهکده های ملل گوناگون مستمراً می تابد، مکالمات هدف مند در هر سطحی از تعامل بشری را منور می سازد و بر اقدامات بی شماری در جهت رفاه مردم پرتو می افکند . این است آن نور الهی که چون پرتوی نورانی در مقابل ظلمت، دائماً از وجود هر مؤمن باوفا، هر جامعه پویا و هر محفل روحانی آراسته به حبّ و ولا ساطع می گردد.

(۷) در اعتاب مقدسه علیا به کمال تصریح و ابتهال دعا می کنیم که هر یک از شما حاملان این شعله جاودانی در مساعی خود برای اشتعال بارقه ایمان در قلوب دیگران مشمول تأییدات لاریبیه جمال قدم گردید .

[امضا : بیت العدل اعظم]